

راه توده

نشریه مبارزاتی حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۱ شهریور ۱۳۲۲ مطابق ۲۰
ذیحجه ۱۴۰۳ و ۲ سپتامبر ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۵۷
پهنا: ۴۰ عرض: ۲۰

قدرت ما وضعف آنها!

اینروزها بازار شیوه تنها به قاضی رفتن و راضی برگشتن در ایران داغ تر شده است. آقای رئیس مجلس و امام جمعه موقت تهران در نماز جمعه هفته گذشته به گمان خود "کارت" برند خود را از آستین بیرون کشید و برای لایوشانی کردن ضعف های تسلیم طلبان در حاکمیت، شیوه های شناخته شده ارتجاع را بار دیگر بکمک طلبید. تسلیم طلبان در حاکمیت جمهوری اسلامی، که به تمام وعده های اولیه خود پشت کرده اند و برای توجیه این روگردانی از منافع خلق، هر روز بیشتر و بیشتر به منجلاب سازش با مدافعان افراطی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی فرو می روند، می کوشند ضعف خود و روگردانی خود را از خلق و زحمتکشان پرده پوشی کنند و در این راه از بکارگیری هیچ شیوه ای روی گردان نیستند. برای آنها "هدف وسیله را توجیه می کند"!

آنها می خواهند ضعف خود را بپوشانند و قدرت ما تودهای را بشکنند! قدرت ما در آن است، که قبل از همه راه درست را برای تعمیق انقلاب نشان دادیم، تأمین عدالت اجتماعی را بر پرچم خود نوشتیم، تحکیم استقلال واقعی سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی را در مقابل امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هدف قرار دادیم.

قدرت ما در آن است، که راه بهر روزی زحمتکشان را با طفره رفتن از راه "رشد" سرمایه داری، و جای ایران را در جوار بقیه در صفحه ۶

"راه سوم" یا سازش علیه منافع خلق

"ترمیم کابینه" انجام شد.

برای ارزیابی نهائی سیاست های جدید در دولت هنوز باید زمان سپری شود. اما آنچه هم اکنون می توان در باره این "رفتن ها" گفت، آنست که در جوار عناصری همانند عسکر اولادی و توکللی که به عنوان مدافعان کلان سرمایه داران و کارگزار ستیزان افشاء شده بودند، وزرائی هم برکنار شدند، که نظرات مثبتی در بعضی از مسائل اجتماعی ابراز کرده بودند. از جمله خواست بحق دهقانان برای اجرای اصلاحات ارضی با این "رفتن ها" مدافعانی را در دولت آقای موسوی از دست داد.

درک لزوم "رفتن" عسکر اولادی ها و توکللی ها از دولت برای زحمتکشان میهن ما آسان است. آنها با تجربه نسبتاً طولانی در ریافتسه بودند، که عسکر اولادی به عنوان مدافع شارت بی بند و بار یک نظام سرمایه داری، به عمل و سازوکار اصلی گران و احتکار (از جمله در مورد برنج) تیدیل شده بود و با مخالفت با بزرگان خارجی دولتی و ایجاد تعاونی های مردمی و نظارت دولتی بر توزیع داخلی، با قانون اساسی جمهوری به ستیز برخاسته بود و علیه منافع خلق عمل می کرد.

همینطور توکللی با ارائه طرح پیش نویس قانون کار کذائی ضد کارگری دست خود را به عنوان اسب تروای سرمایه داری در "دولت مستضعفان" باز کرده بود. اعتراضات وسیع کارگران به توکللی در ماه های گذشته هنگام طرح پیش نویس قانون کار، کوس رسوائی او و "خط" او را در حاکمیت جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۴

از کدام موفقیت های چشمگیر سخن می گویند؟

نظام جمهوری اسلامی را به مخاطره انداخته است. خطر بد زجهای محسوس و جدی است، که بازتاب آنرا می توان در بیانات مقامات عالی رتبه بحیان مشاهده نمود. آنها از اختلاف میان گردانندگان اهرمهای مملکتی بر سر "مسائل دنیوی" و به بیان دیگر، بر سر قدرت، از اختلاف و دسته بندی میان روحانیت، که منجر به "شکست اسلام" می شود، از دو دستگی و چهند دستگی ملت، از سقوط "سپاه بقیه در صفحه ۸

سران جمهوری اسلامی "نگران" آیندمانه هرج و مرج بی سابقه زائیده بحران و یا صریحتر گفته باشیم ورشکست اقتصادی مولود عدم کفایت و کارایی، نبود برنامه دقیق و حساب شده و فقدان ترو روشن نظام اجتماعی - اقتصادی، نبرد بی پایان بر سر قدرت، گسترش فقر و مسکنت و تعمیق شکاف میان قرو ثروت، تشدید فزاینده تر و پروا ختناق و تجاوز به ابتدائی ترین حقوق - دمکراتیک، ادامه جنگ خانمان برانداز و بسی - حاصل و بالاخره گسترش فساد در جامعه،

همبستگی محرومان جهان ونه "وابستگی"

در صفحه ۱۰

شرکت روز افزون محافل مترقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده ای!

مبارزان راستین ضد امپریالیستی، موج شدید تر همبستگی با قربانیان، و علیه اختناق و فشار در ایران بالا می گیرد. همبستگی افکار عمومی با توده های بویژه پس از شهادت رفیق ریاحی، نمونه ای از این موج است.

ایتالیا

شاخه حزب کمونیست ایتالیا در صنایع ماشین سازی فیات، توریانو، ضمن محکم کردن اعمال بی رویه در مورد رهبران و اعضای حزب توده، ایران، آمادگی خود را برای مقابله با این اعمال اعلام نموده و همبستگی کارگران این رشته را با مبارزان توده ای زندانی، ابراز نموده است. بقیه در صفحه ۳

دفاع از توده های دریند و همه مبارزان صادق ضد امپریالیستی و آزاد یخواه میهن مان توسط تمام انسانهای شرافتمند و مترقی جهان پاسخی است به تهمت ها و لجن پراکنی های راستگرایان افراطی در حاکمیت جمهوری اسلامی و بویژه تسلیم طلبان بی رمقی، که بجای عمل به تعهدات خود در مقابل خلق، بجای التیام درد های عمیق زحمتکشان، بجای احترام به حقوق خلقهای مردم میهن ما و قانون اساسی جمهوری نوپا، با ستیز خود با آزادی و حقوق - دمکراتیک زحمتکشان، بیشتر و بیشتر رنگ میبازند. با ارتکاب هر جنایتی علیه زندانیان توده ای و دیگر

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

آقای امام جمعه موقت!

اگر شکنجه‌های در کار نبوده توضیح بدهید که زندانیان توده‌ای در اوین، حسن حسین پور تبریزی، کاگیک آوانسیان و بسیاری دیگر که هنوز جرات نکرده‌اند نامشان را اعلام کنید چگونه به قتل رسیده‌اند؟

می‌شد واقعی وجود دارد؟ چرا بر سر نوع شکنجه چانه می‌زنید؟! البته روشن است که نوع دقیق شکنجه‌ها را تنها خود شکنجه‌گران اوین و احتمالاً رهبران طراز اول جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. اما اینکه مدعی شوند اصولاً شکنجه‌ای در کار نبوده و قسریانینان و او طلبانه حرف‌های مورد نظر گردانندگان حاکمیت را تکرار می‌کنند، ادعای رسوا شده‌ای است، که فقط دل مدعیان را خوش می‌کند.

آقای رفسنجانی! قسم شما را باور کنیم یا دم خروس را؟ چطور شده که زنده یاد حسن حسین پور تبریزی، که مأموران شما وی را همزمان با دیگر رهبران و فعالین حزب، با روشی ناشایست دستگیر کردند و به زندان اوین بردند، تا گمان سر از صفحه مجالس ترحیم روزنامه کیهان در آورد؟ اگر تقوای شما هم مانند امامت‌ان موقت نیست، این معما را حل کنید! زنده یاد کاگیک آوانسیان را که جلوی پرده تلویزیون هم آوردید، چگونه کشتید و چرا مرگ او را مخفی نگاه داشتید؟ چرا اعلام نمی‌کنید که چند نفر دیگر زیر شکنجه به "مرگ طبیعی" مردماند؟ آیا این دست و آن دست نمی‌کنند تا با برگزاری محاکمه غیر علنی، کشته شدگان را به اعدام محکوم کنید و دست‌های خود را بشوئید؟

آقای رفسنجانی! به موقیت‌های زودگذر و "موقت" دل نیندید! این جنایات برای مدت طولانی پنهان نخواهد ماند!



خشونت بی نظیر دستگیر کردید و اسامی و محل بازداشت آنرا مخفی نگاه داشتید تا دستتان برای هر جنایتی باز باشد! آیا گویا تیراز آثار شکنجه‌هایی که بر روی سر و صورت قربانیان، که بار اول نشان داد پنهان و ضوح دیده

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، امام جمعه موقت تهران، در نماز جمعه هفته گذشته پس از ایراد خطبه اول، که مربوط به تقوی بود، در خطبه دوم تقوای "موقت" را بکنار نهاد و مطالبی را عنوان نمود که بعنوان رئیس مجلس و یکی از مسئولان مملکتی باید پاسخگو به آنها باشد. آقای رفسنجانی که فیلم تازه تهیه شده در شکنجهگاه اوین را قبل دیده بود تا به مثابه کارشناس نظر بدهد، آیا این فیلم خوب مونتاژ شده و برای بخش مناسب است یا نه، به نمازگزاران مژده داده، که شنبه شب یک پیز مورد ۸۰ ساله را خواهند دید که مانند یک روزشکار، اینبار بر خلاف ۴ ماه پیش، که آثار شکنجه هنوز بر چهره‌اش (تنها چیزی که روی پرده تلویزیون نشان می‌دادند) نمایان بود، با "لبخند"، "اقابیر" دفعه گذشته را تکرار می‌کند!

سپس معلوم شد رونوشت‌های که آنها بدست قربانی خود داده‌اند و او را واداشته‌اند که بگوید دفعه گذشته، کتک و شلاق و دارو و آمپول در کار نبوده، بلکه وی بر اثر رویارویی با منطق دانشمندان "بزرگی نظیر آقایان فردوست، لاجوردی و گیلانی، سر پیروی به این نتایج محیرالعقول رسیده است!

برای ما توده‌های ما، به‌مثابه انسانهای ساده‌ای که بر خلاف برخی از رجال جمهوری اسلامی تقوایمان "موقت" نیست و از طریق واقعیت‌های ملموس به اظهار نظری تشنیم چه چیز گویا تر از این واقعیت است که شما، هزاران نفر را نیمه شب با

اما اعمال این شیوه‌ها منحصراً فیللی نیست؛ در دیگر کشورها از جمله در کانادا نیز وضع بدین منوال است.

آیا این عمل آشنایست؟

طبق خبرهایی که از کانادا به ما رسیده است، سفارت ج ۱۰۱۰ در کانادا ضمن نشان دادن عکس و فیلم از تظاهرات برای عده‌ای از افراد انجمن اسلامی، از آنان خواسته است، که هواداران حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را معرفی کنند.

مأمورین سفارت به آنها گفته‌اند، که به کسانی که در این زمینه همکاری کنند، سالی حدوداً ۱۰ هزار دلار کانادا وام می‌دهند تا آنها با استفاده از این مبلغ بتوانند در دانشگاه‌ها تحصیل نموده و بدین ترتیب به انجام "وظایف" (!) خود ادامه دهند!

"انجمن اسلامی دانشجویان" یا "جوخه مرگ"

گریها و تحولات بعدی آن به مذاقش خوش نیامده بود، مجدداً عده‌ای از دانشجویان دگراندیش را مورد ضرب و شتم قرار داده، و حتی خوانندگان "راه توده" را تهدید به مرگ کرده است.

"انجمن اسلامی" با صدور یک اعلامیه، تمام این واقعیات را تکذیب کرده و اظهار داشته است "جوخه مرگ" وجود ندارد. (بخشهایی از این اعلامیه و گوشه‌هایی از وقایع در روزنامه جمهوری اسلامی اواخر مردادماه نیز به چاپ رسیده است.)

اما کسانی که با وضع ایرانینان در فیللی پین آشنایی دارند می‌دانند که این تکذیبنامه، مانوری پیش نیست و افشاکاری فیللی "راه توده" به اندازه کافی روشن کننده وضع "انجمن اسلامی" در فیللی پین هست.

در پی افشاکاری‌های "راه توده" شماره ۴۷ پیرامون ضرب و شتم و اعمال شکنجه در حق دانشجویان دگراندیش توسط افراد "انجمن اسلامی دانشجویان" در فیلپین، این موضوع در مطبوعات فیلپین نیز بازتاب یافت. این مطبوعات از قول دانشجویان ایرانی در فیلپین خبر از وجود یک "جوخه مرگ" دادند، که دانشجویان ایرانی را مورد تضییق قرار داده و حتی به مرگ تهدید می‌کند.

افشاکاری "راه توده" و انعکالی این واقعیات در مطبوعات فیلپین باعث آن شده است که عده زیادی از دانشجویان دگراندیش در مجمع‌هایی که توسط این "انجمن" برگزار میشود شرکت نکنند و بسیاری نیز بی به ماهیت این انجمن‌ها برده و از دور آن پراکنده شوند. "جوخه مرگ" انجمن که این افشا-

شرکت روزافزون محافل مترقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

بقیه از صفحه ۱

● سازمان قضات دمکرات ایتالیا در پیه مؤتمه، طی مخابره تلگرام اعتراضی به سفارت ج ۱۰۱۰، بناسبت دستگیری و شکنجه مبارزین توده‌ای، همبستگی خود را با این مبارزین ابراز داشته است.

● شهردار و گروه مشاورین شورای شهرداری بلونیا طی تلگرامی که به سفارت ج ۱۰۱۰ مخابره نمود هاند، نگرانی شدید خود را در مورد سرنوشت مبارزین توده‌ای در بند ابراز داشته و ضرورت احترام به حقوق دمکراتیک را در ایران، خواستار گردیده هاند.

● گروه مشاورین کمونیست شهردار اریسهای ناحیه امیلیا، نیز آزادی فوری اعضای بازداشت شده حزب توده ایران را طی مخابره تلگرامی، خواسته است.

● فدراسیون حزب سوسیالیست در بلونیا، ایتالیا، طی ارسال نامه‌هایی به وزارت و وزیر امور خارجه ایتالیا، خواهان مداخله این وزارتخانه در مورد آزادی رهبران و اعضای حزب توده ایران گشته و خاطر نشان ساخته است که پیشرفت انقلاب در کشور، بستگی به تمامی نیروهای مدافع آن دارد.

● شورای اداری ناحیه امیلیا رومانیا، طی تلگرامهای اعتراضی که به مقامات ج ۱۰۱۰ و پیه وزارت امور خارجه مخابره نموده، نگرانی مردم این ناحیه را از سرنوشت رهبران و اعضای حزب که در زندان بسر میبرند، ابراز کرده است.

● کمیته متحده ضد فاشیسم پاریس، نگرانی خود را نسبت به اعمال بی‌رویه حکومت ج ۱۰۱۰ در مورد رهبران و اعضای حزب توده ایران، ابراز داشته است.

دمکراتهای سوئد خواستار اطلاع از چگونگی وضع زندانیان توده‌ای شدند

گروهی از مسئولین سازمانها و شخصیتهای مترقی سوئدی و خارجی طی صد و بیست و نه بیانیه مشترکی در تاریخ اول اوت (۱۰ مرداد ماه) ضمن اشاره به برگزاری جلسه بین‌المللی دوسلدورف در آلمان فدرال، بتاريخ بیست و یکم ماه مه (۳۱ اردیبهشت) و تشکیل "کمیته دفاع بین‌المللی از زندانیان توده‌ای" و نظر پزشکان و متخصصین در امر شکنجه و در مورد ویدئو فیلم "اعترافات" رهبران حزب توده ایران باریگر بر لزوم پیشبرد اهدافه جلسه دوسلدورف تأکید ورزیده، ضمن بیان فوریت مسأله نجات جان مبارزین دربند توده‌ای، پشتیبانی خود را از آنان با طرح خواستههای زیر اعلام نمود هاند:

— پایان دادن به شکنجه زندانیان و قطع بازجوئیهها از آنان و اینکه بازجوئی فقط بایستی با حضور وکلای مدافع انجام گیرد؛

— معاینه فوری بازداشت شدگان، با نظارت صلیب سرخ بین‌المللی؛

— پایان بخشیدن به تعقیب و پیگرد نیروهای دمکراتیک و آزادی بلاد رنگ بازداشت شدگان؛

— برگزاری دادگاههای علنی، تحت نظارت بین‌المللی؛

امضا کنندگان بیانیه فوق، که از طریق سفارت ایران در سوئد برای دولت جمهوری اسلامی ایران ارسال گردیده است، بدینقرارند:

● سیر پارید، مسئول کمیته صلح در شهر لولئو

● تومی یوهانسن، از طرف سازمان جوانان کمونیست سوئد در لولئو

● جری ویلیامز، هنرمند و مبارز صلح دوست

● پرگرانلوند، روزنامه نگار سوئد

● سوانته آلروت، مسئول سازمان حزب کمونیست کارگری سوئد در لولئو

● شل لوند کوست، بنه نمایندگی از طرف روزنامه فولک ویلیان، ارگان حزب کمونیستهای چپ در شمال سوئد

● مونیکا انگستروم، مسئول جوانان کمونیست لولئو

● لوتا آندرسن، مسئول سازمان جوانان سوسیال دمکرات لولئو

● رالف اولسون، نماینده حزب سوسیال دمکرات سوئد در لولئو

● بنگت نیلسون، مسئول دمکرات سوئد در لولئو



فادانا

کشته شده، توده‌ای، همبستگی بین‌المللی با زندانیان توده‌ای

سازمان حزب کمونیست کارگری سوئد در شهر پیتتو ● سیری آدرین، مسئول کمیته صلح سوئد در شهر پیتتو ● سون نورد ستروم، مسئول سازمان حزب کمونیست کارگری سوئد در شهر بیدن کارتیا سوئد کوست، مسئول گروه فلسطین در شهر لولئو

● نورشنس فلانان، ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد، در سرمقاله خود، بتاريخ هشتم اوت (۱۷ شهریور) پس از اشاره به اعلام مسأله دستگیری گروهی دیگر از اعضای حزب توده ایران و عدم وجود اطلاعات دقیق در مورد وضع زندانیان توده‌ای، نگرانی محافل مترقی این کشور را در مورد شایعاتی که پیرامون فرجه عده‌ای دیگر از مبارزین، متعاقب شکنجه‌های وحشیانه، شدت گرفته و سکوت مقامات حکومتی ایران در این مورد، ابراز کرده و ضمن تأکید دباره بر اهمیت امر تجهیز افکار عمومی مترقی بین‌المللی جهت وارد آوردن فشار بیشتر بر دولت ایران و نجات جان زندانیان توده‌ای، در خواست خود را از دمکراتهای سوئد برای نشان دادن اعتراض وسیع نسبت به اعمال جنایات در شکنجه‌گاه‌های ایران، تجدید نموده است.

آلمان فدرال

● دبیر خانه حزب کارگری پیشرو کرد بیتان شعبه آلمان فدرال نسبت به اعمال تضحیقات در مورد حزب توده ایران، شدیدا اعتراضی نموده، آزادی رهبران و اعضای حزب را خواستار گردیده است.

● روزنامه حزب کمونیست آلمان در الدنبرگ طی مقاله‌ای در تاریخ ۲۹ ژوئیه (۷ مرداد ماه) ضمن بررسی وقایع اخیر ایران، تضحیقات علیه حزب توده ایران را بارزترین نشانه چرخش سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی به راست دانسته است. مقاله سپس به تشریح دستگیری و چگونگی شکنجه و آزار رهبران و اعضای حزب و خطری که جان آنان را تهدید می‌کند پرداخته و در این رابطه به شهادت رفیق حسن حسین پور تبریزی، از فعالین یا سابقه جنبش کارگری، اشاره نموده است. این روزنامه ضمن درج خبر تشکیل "کمیته همبستگی با ایران" در الدنبرگ، از کلیه دمکراتهای این شهر خواسته است با اعلام پیوستگی به "کمیته"، به اقدامات عاجل جهت نجات جان مبارزین توده‌ای دست بزنند.

● شش سازمان مترقی، ضمن امضا و ارسال بیانیه مشترکی به سفارت جمهوری اسلامی ایران، تضحیقات علیه حزب توده ایران و اعمال شکنجه‌های وحشیانه‌ای را که در موردی موجب مرگ برخی از رهبران و اعضای حزب

”راه سوم“ یا سازش علیه منافع خلق

بقیه از صفحه ۱

ایران بصدا در آورده بود.

همچنین مخالفت های برخی مسئولان و نمایندگان مجلس و بویژه مخالفت های صریح مردم با اقدامات عسکر اولادی بیان کننده انفسراد نظرات و ”خط“ او در جامعه است. لذا ”رفتن“ این دو از دولت، اگر چه هنوز بسا ابقا همفکران و هم ”خط“ های آنان در دولت و بخش های دیگر حاکمیت همرا ه است، همانطور به مسئله مبرم و گذشت ناپذیر روز جامعه تبدیل شده بود، که اتخاذ یک سیاست مخالف نظرات سیاسی - اقتصادی - اجتماعی آنان و مخالف خط راستگرای ضد انقلابی حاکم بر نشئون زندگی خلق به مبرمترین مسئله میهن ما تبدیل شده است.

با توجه به این واقعیت ها است، که مردم ”رفتن“ عسکر اولادی ها و توکلی ها را اقدامی در جهت درست تلقی کردند و به لزوم توسعه این اخراج ها به بقیه نمایندگان خط مدافع افراطی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و احتیاق و فشار در حاکمیت اصرار دارند.

و در واقع هم نتیجه منطقی چنین رسوائی نظرات و ”خط“ ضد انقلابی، ضد ملی و ضد منافع زحمتکشان این نیروها این می بود، که این ”خط“ مدافع افراطی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و نمایندگانش بدست زحمتکشان از حاکمیت بدور انداخته شوند. این تنها راه ممکن بیرون آمدن انقلاب از بحران بود و هست. اما در مقابل دیدگان زحمتکشان بجای ”رفتن“ همفکران دیگر آنان، آنهایی از کار برکنار می - شوند، که در گذشته برخی نظرات مثبت به نفع زحمتکشان ابراز کرده بودند و از جمله موافق اصلاحات ارضی و براندازی بزرگ زمیندای بودند.

اثر بی برنامهگی و ندانم کاری و پشت کردن به اهداف اولیه خود با بن بست رویرو شده اند و از این طریق انقلاب را به بحران دوجار ساختند؛ اما نباید فراموش کرد، که این بن - بست آنها و بحران انقلاب، نه به علت نادرستی لزوم تحقق عدالت اجتماعی و تأمین استقلال و آزادی بوده است، - اهدافی، که خلق ایشار - گرانه برای تحقق آنها با رژیم شاه در افتاد و بر آن پیروز شد - درست برعکس، علت واقعی بحران انقلاب، آنست که مدعیان ”دفاع از مستضعفان“ بجای عمل به وعده های خود و اجرای بگیر اصلاحات بنیادی به نفع خلق، تن به معاشات و بالاخره تسلیم طلبی در مقابل مدافعان نظام کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی دادند. آنها از این طریق بجای متحد بد نظام سرمایه داری، آنطور که قانون اساسی جمهوری نو پا حکم می کند، به عاملان غیر مستقیم تحکیم پایه های متزلزل شده نظام غارتگر شاهنشاهی بدون شاه و در لباس ”شرعی“، تبدیل شد مانند.

این سازش، که برای راضی کردن جناح راستگرای افراطی در حاکمیت جمهوری اسلامی و جلب موافقت آنها با ”رفتن“ عسکر اولادی ها و توکلی های رسوا شده، عناصر یا نظرات مثبت را قربانی می کند، به همان کوره راه تسلیم - طلبی ای می رود، که چند ماه پیش هم رفت و از زبان آقای موسوی مدعی شد، که گویا با سرکوب حزب توده، ایران، راه اجرای اصلاحات بنیادی را گشوده است! این خط تسلیم طلب درک نکرده است و هر روز بیشتر ناتوانی نهائی خود را در درک این واقعیت نشان می دهد که:

- نمی توان با سازش یا مخالفان عدالت اجتماعی، عدالت اجتماعی را برای زحمتکشان تحقق بخشید،
- نمی توان با جدا شدن از متحدان واقعی و طبیعی و مدافع تعمیق انقلاب، به تعمیق انقلاب به نفع زحمتکشان نائل شد،
- نمی توان ”یا کمک“ استعمارگران و مدافعان و نمایندگان آنها، به استعمارشدگان و ”مستضعفان“ کمک کرد،
- نمی توان منافع طبقات غارتگر و غارت شده را آشتی داد

این خط تسلیم طلبی، که هر روز بیشتر بی رمقی و ناتوانی خود را در درک نبشرد طبقاتی حاکم بر جامعه نشان میدهد، هر روز بیشتر درمورد ادب سازش فرو میرود.

کار این بی رمقی به آنجا کشیده است، که این نیروها برخلاف گذشته نه از موضع قاطع و به نفع خلق دندان کرم خورده را می کنند، مثلاً آنطور که نفوذ امپریالیسم آمریکا را با تسخیر لانه جاسوسی آن پاسخ دادند، بلکه اکنون زیر فشار راستگرایان افراطی و به خاطر تن دادن به سازش با این نیروها برای جدا شدن از عسکر اولادی های رسوا شده به پرباد دادن بیشتر و بیشتر روح مردمی انقلاب رضایت می دهند. این شیوه مسخ انقلاب، که سازشکاران را به ”کاخ نشینی“ با حفظ ظاهر کوی نشینمی رسانده است، از انقلاب پیکسری مثله و مسخ شده بجای می گذارد، که در آن دیگر رمقی یافت نمی شود؛ سازش و تسلیم طلبی ای، که نام آن را ”راه سوم“ گذاشته اند!

سازش بجای قاطعیت انقلابی

علت این واکنش غیر طبیعی چیست؟ در حالیکه علت ”رفتن“ مدافعان افراطی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی رسوائی سیاست آنها و خود آنها بوده است، آیا علت برکناری بی سرو صدای دیگران از دولت، به خاطر نظرات کم و بیش مثبت آنها، از جمله اصلاحاتی که انقلاب برای زیستن همانند هوا به آن احتیاج دارد، نبوده است؟

آیا علت کنار گذاشتن موافقان، از جمله موافقان اصلاحات ارضی، از دولت معلول نادرست بودن اجرای اینگونه اصلاحات بنیادی بوده است؟ و یا علت دیگری باعث این اقدام شده است؟!

این درست است، که حاملان نظرات کم و بیش مثبت در حاکمیت، که روزی با وعده های ظلالی اعتماد خلق را بدست آورده بودند، در



مرگ بر امپریالیسم جهانخوار امریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

اهداف سه گانه «ستاره درخشان ۱۹۸۳»

کنیم • این نشریه می نویسد که آمریکاییها اعلام کرده اند که کشورهای خلیج به "حمایت" آنها علیه "خطر شوروی" نیاز دارند •

تنها خطر واقعی علیه کشورهای عربی، اسرائیل است که به اشغال اراضی اعراب ادامه میدهد؛ این اسرائیل است که نزدیکترین دوست و متحد و دستیار آمریکا در منطقه می باشد؛ و این همان اسرائیل است که آمریکاییها بیش از سی سال است که از آن حمایت می کنند •

عملیات ستاره درخشان ۱۹۸۳، زیر نقاب خطر در زمین و ساختگی، خطر واقعی را پنهان می سازد؛ خطر واقعی توسعه و افزایش حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه • بنا به اظهار نظرهای استراتژیست های آمریکایی، این حضور نظامی، به واشنگتن توان آنرا خواهد داد که اوضاع خاور میانه را کنترل نماید؛ "منافع حیاتی" خود و "منافع" اسرائیل را حفظ کند و بخشهای وسیعی از مدیترانه، قاره آفریقا و اقیانوس هند را زیر نفوذ خود داشته باشد •

خوشایند آمریکا نباشد؛ این کشورها نباید "عزم راسخ آمریکا" را فراموش کنند •

ثانیا این "بازیهای جنگی" برای عادت دادن کشورهای خاورمیانه به حضور نظامی و فزاینده فوداشی ایالات متحده، آمریکا در منطقه است • بدین طریق واشنگتن می خواهد "حقوق" خود را برای دفاع از "منافع حیاتی" آمریکا در خاور میانه اثبات کند و آنرا استحکام بخشد • همچنین واشنگتن قصد دارد کشورهای هم پیمان و شرکت کنندگان در عملیات ستاره درخشان ۸۳ را هر چه بیشتر به زیر نفوذ و سیطره خود بکشد •

سومین هدف مانورهای ستاره درخشان ۱۹۸۳ نبره های مداخله سریع، یادآوری ابعاد "خطر شوروی" و "توسعه طلبی شوروی" و "آرزوهای او برای تصرف منابع نفتی منطقه" خلیج فارس، به کشورهای خاورمیانه است • بجاست اگر در اینجا به مندرجات نشریه "هفتگی" روض الیوسف چاپ قاهره رجوع

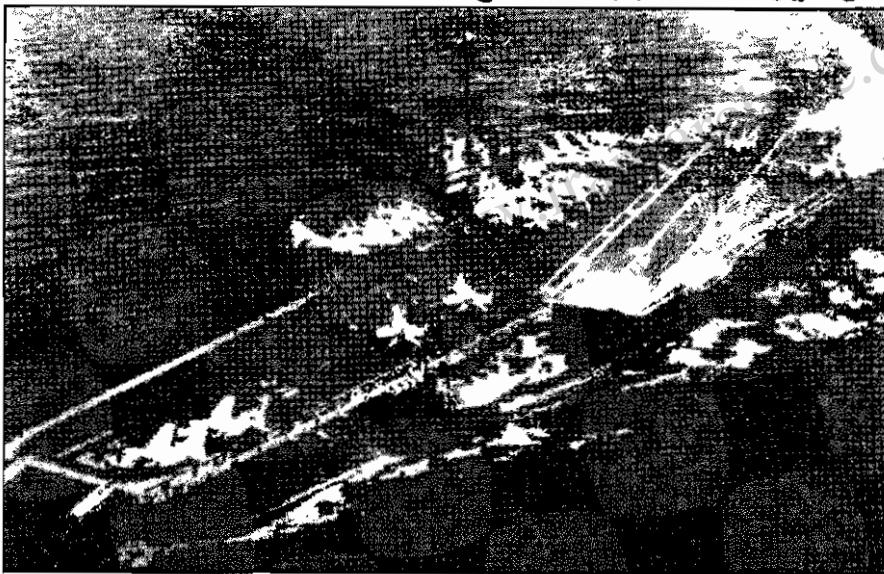
نیروهای مداخله سریع آمریکا در مدت چهار سالگی که از موجودیتش گذشته از تعداد هشتاد هزار نفری که بموجب طرح اولیسه اش شامل بود به دو بیست و سی هزار نفر افزایش یافته است • دامنه فعالیت این نیروها ظرف چهار سال گذشته، بخصوص در منطقه خاور میانه بهمان نسبت توسعه پیدا کرده است •

در اولین مانورهای ستاره درخشان سال ۱۹۸۰ و دو هزار سرباز آمریکایی شرکت کرده بودند؛ و اکنون در مانورهای ستاره درخشان ماه اوت ۱۹۸۳ تقریباً پنج هزار و پانصد نفر از سربازان آمریکایی نیروهای مداخله سریع شرکت می کنند • این بزرگترین مانور نیروهای مداخله سریع آمریکا می باشد که با شرکت نیروهای نظامی کشورهای هم پیمان آمریکا در منطقه انجام می گیرد •

هدف این مانورها، آنطور که رسماً (و ظاهراً) اعلام گردید، تطبیق تاکتیکهای نیروهای مداخله سریع با شرایط گرامی فصلی صحاری خاور میانه می باشد (مانورهای قبلی در ماههای نوامبر - دسامبر انجام شده بود)؛ لکن هر کس قادر است دیدگاهها و نقطه نظرهای سیاسی را در مانورهای اهداف منحصر نظامی این عملیات دریابد؛

اولا نیروهای مداخله سریع قصد دارند قدرت و کارایی خود را نشان دهند؛ این کارآیی گویا برای کشورهای طرفدار و حافظ "منافع" غرب در منطقه، سودمند است؛ زیرا واشنگتن دائما "حمایت" خود را در شرایط "بحرانی" از این کشورها اعلام داشته است • ولی در حقیقت این اختطاری است به تمام کشورهای خاور میانه زیرا آمریکا می تواند در امور داخلی آنها با نیروی نظامی دخالت نماید •

آماج اصلی این تهدیدها بخصوص کشورهای مترقی و ضد امپریالیستی منطقه هستند؛ ولی سایر کشورهای منطقه را نیز مجبور به درک این مطلب می کند که هرگاه سیر درگونیها



ناو هواپیما بر "نهیض" در آبهای مجاور شبه جزیره عربی

وقتی که کودکان به تحلیل می نشینند

را سدی در مقابل کمونیسم می شمارند • بزیان واشنگتن این سدی در مقابل زحمتکشان ایسران و تمام کسانی است که با امر و نهی انحصارات خارجی و استثمارگران محلی مخالفتند •

ارگان انحصارات آمریکا با لحن پر معنی وعده میدهد که اگر رژیم کنونی ایران خط مشی ضد مردمی خود را بپذیراند دنبال کند، کساح سفید به کرنش های تهران در مقابل واشنگتن سده که به مرور زمان ممکن است دوباره به اتحاد دو کشور منجر شود - با حسن نظر بیشتری خواهد نگریست •

ولی بر هگان روشن است که مردم ایران - مردمی که رژیم شاه را سرنگون کرده و بر پیکر امپریالیسم ضریات کاری وارد ساخته اند، چه برداشتی از اتحاد ارتجاع محلی و امپریالیسم داشته اند و خواهند داشت!

را با دوستان قدیمی، و نه تنها با امپریالیستها، بلکه با اسرائیل صهیونیستی هم برقرار ساخته و توسعه دهند •

از جمله "بیزینس ویک" معتقد است که وقت آن فرا رسیده که ایران علنا به اردوگاه سرکوب کنندگان ملت عرب فلسطین بازگردد •••

امپریالیستهای آمریکا، از اینکه رژیم کنونی ایران با بیوری از روش رژیم شاه، حزب توده، ایسران را وحشیانه سرکوب می کند و روز به روز امتیازات بیشتری به انحصارات خارجی می دهد و اهرمهای اداره امر کشور را در اختیار سرمایه داران و ملاکین بزرگ محلی می گذارد، - بسر از رضایت مندی نمودند • هفته نامه "بیزینس ویک" می نویسد؛ اثر اعضای دولت ریگان انقلاب اسلامی

بقیه از صفحه ۶
نیستی متضمن خطراتی باشد؛ یقینا این خطر متوجه نقشه های طرح ریزی شده توسط قهرمانان کذایی کودتای ننگین ۲۸ مرداد خواهد بود، که طراحان آن در این جهت تلاش می ورزند تا شکست خود را در ۲۲ بهمن جبران کنند؛ دست آورد های مردم ایران را ناپود کنند و در نهایت ایران را، همانند ایران دوران شاه، کت و پند بسته تسلیم امپریالیسم و تابع سیاست های آن بکنند •

هفته نامه "بیزینس ویک" ارگان انحصار های آمریکا قطع روابط ایران با کشورهای ترقی خواه را خواستار شده و مبرانه به مقامات کنونی تهران توصیه می کند که با جدیت بیشتری تلاشها

وقتی که کودتاگران به تحلیل می نشینند

تفسیری پیرامون مقاله هفته نامه آمریکائی "بیزنس ویک" که درباره کودتای ۲۸ مرداد نوشته شده است، ارائه داشت که بخش هایی از آن برای اطلاع خوانندگان راه توده در زیر می آوریم:

هفته نامه "بیزنس ویک" بلندگویی انحصار گران، که در نیویورک چاپ می شود، در استانه سالگرد کودتای ۲۸ مرداد مقاله "ویژهای در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران" انتشار داد. از این مقاله پیداست که دستگاه های تبلیغاتی آمریکائی و جارجیان آنها، همانند سی سال پیش عمل می کنند: همان آش و همان کاسه!

انزمام ارگانهای تبلیغاتی آمریکا برای ایجاد مقدمات انجام کودتا، نیروی خود را در جهت برآوردن شایعه "خطر کمونیسم آبی" خطر شوروی" صرف میکردند و روزنامه های وابسته به رژیم شاه از قبیل اطلاعات، کیهان و غیره نیز بنا آنها هماهنگ می کردند.

مبارزه مخاطره آمیز کردن صنعت نفت و کسب آزادیهایی دموکراتیک بدست آورده بودند، بنگل از بین رفت. هرگز نتوانستند در پرستان ایرانی و در پیشانی آنان اعلامی حزب توده ایران نظیر قهرمانانی چون خسرو روزه و روانه زندانها، بشوند، موزه شکنجه قرار گرفتند و اعدام گردیدند.

عدای - چه در غرب و چه در ایران سرور این تصورند که شاید مردم ایران در این تاریخ و زمان را فراموش کرده باشند. بدین خاطر است که امروز هفته نامه "بیزنس ویک" و به تبعیت از آن روزنامه های مجاز ایران از قبیل اطلاعات، کیهان و دیگر بلندگوهای دستگاه های تبلیغاتی (رتجائی، یا فعالیت بیشتری (در مقایسه با استانه کودتای ۲۸ مرداد) به هیستری ضد شوروی و ضد کمونیسم در ایران دامن می زنند.

آنها هر روز اراجیف و اباطیلی را مبنی بر اینک گویا همکاری اتحاد شوروی و دیگر کشورهای های سوسیالیستی با ایران، برای ایران خطر های دراز بردار دارد، پخش می کنند.

اگر چنانچه به زعم هفته نامه "بیزنس ویک" همکاری های ایران با کشورهای سوسیالیستی در صفحه ۵

قدرت ما وضع آنها!

ضعف آنها در آن است، که بازیر پاس گذاشتن اصول قانون اساسی جمهوری شکنجه را به وسیله "تربیتی" خود تبدیل کرده اند؛

ضعف آنها در آن است، که بجای ادامه بحث آزاد تلویزیونی، به تهیه "شو" های تلویزیونی ای دست زدند، که ماهها برای مونتاژ آن کار می کنند؛

ضعف آنها در آن است، که تصور می کنند شکستن این یا آن انسان شرافتمند، که در تمام عمر خود قدمی خلاف منافع زحمتکشان بر سر نداشته است، قادرند سیاست اصولی حزب توده ایران را مخدوش کنند؛

ضعف آنها در آن است، که تصور می کنند

بقیه از صفحه ۱

نیروها و کشورهای ضد امپریالیست اعلام کردیم. قدرت ما در آن است، که دفاع از تمامیت ارضی همین انقلابی را هدف قرار دادیم و با تمام توان خود با ایثار و فدکاری به دفاع از آن برخاستیم و بی حرمی حتی به نوح یاران شهید شده مان نیز ما را از این راه باز نگرداند.

ضعف آنها در آن است، که وعده "قسط اسلامی" دادند و به آن پشت کردند؛

ضعف آنها در آن است، که وعده زمین به دهقانان دادند و پینه دست آنان را سند اعلام کردند. و آنرا به فراموشی سپردند؛

ضعف آنها در آن است، که حفظ قانون را وعده دادند و خود به پرچمدار قانون شکنی تبدیل شدند؛

و آید تلویزی حزب توده ایران و بیازمین فدائیان خلق ایران (اکثریت) به وحشت افتاد مانند آنها که می خواستند حزب ما را در صحنه جهانی بیابرو بینند، با پشتیبانی وسیع بین المللی از حزب ما و توده های ما، در پند روپرو شدند، آنها که مدعی "ریشم کین کردن" حزب توده ایران بودند.

پس از سروری شدن چند ماه یا کام فرو ریخته آرزوی خود روپرو شد و باید "شو" تلویزیونی گذشته به بیابرویی سازماندهندگان و پرکنزار کنندگان آن تبدیل شد. امیدشان به "شو" جدید هم سرخوشد دیگری نخواهد داشت.

راو حقایق حزب ما

هم آقای رئیس مجلس مظلوم باشد و هم همگنان او! هیچکس قادر نیست با ترسند و سیه کاری با شیوه ضد انسانی و مطرود بنده اهداف شرافتمندانه انقلابی و انسانی دست یابند.

حزب توده ایران، حزب طراز نوین ایران، از راه مبارزه با استبداد و استعمار و برای آزادی و استقلال ایران، در این حزب برآمده، از نیاز طبقه کارگر زنده و زنده میهن ما است، که منظور دفاع از منافع طبقاتی آن ایجاد شده است! همانطور که سرکوب طبقه کارگر در طی زمان ممکن نیست، همانطور هم سرکوب حزب آن و پیش قراولان فدائیان آن ممکن نخواهد بود.

هیچکس با تسلیم طلبی در مقابل خدای استعمار و غارت و سوازش با نمایندگان و مدافعان آن قادر نخواهد بود به زحمتکشان خدمت کند. اما اگر کسی به راه خدمت به زحمتکشان برود، باید به تنها راه ممکن، راه حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، برود.

این است راز حقایق حزب ما و آب حیات عام تمدنی آن!

خروج از این سیستم است، که به همین دلیل گرداننده، با حرفهای بی پایه و توطئه های از دست عواقب خانمان برآوردن آن خلاص می شود و ناراضی بر زحمتکشان را از این انقلاب سرور آن به رضایت تبدیل می شود؛

ضعف آنها در آن است، که تصور می کنند "اعترافات" و "نصایح" زیر شکنجه حفظ شده، قادر است در روشن بینی توده های ما و یکپارگی مبارزان راه آزادی و بهر روزی زحمتکشان را کشور سازد.

هدف سازش دادن با این شیوه های مطرود و اقصاء شده چیست؟ مجبور مدعیان "اخلاق" و "معنویت" تا این حد عقوبت می کنند که برای آنها "هدف وسیله را توجیه" کند!

ظلم روشن است، آنها از استواری صفوف حزب ما از استواری صفوف زحمتکشان نیستی ایران، از یک پارچگی نظرات سیاسی

شرکت روزافزون محافل مترقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

● چندین ماه است که از دستگیری مریم فیروز، این مبارز راه صلح میگذرد، ولی تا کنون هیچ اطلاعی از او در دست نیست. شورای سراسری صلح اتریش، شدیداً نگران سلامتی وی بوده و خواستار اطلاعات موثق فوری درباره چگونگی وضعیت او می‌باشد.

● بنا به دعوت کلوب کارگران روتا گینگه در وین، روز چهارشنبه هفدهم اوت (۲۶ سپتامبر) جلسه‌ای بعنوان همبستگی با کمیونتهای ایران تشکیل گردید. محل گرد هم آیی، با شعار "دفاع از حزب توده ایران، حمایت از دستاورد های در خطر انقلاب ایران است"، ترتین شده بود.

در جلسه فوق، قطعنامه‌ای باتفاق آراء به تصویب و بآدرس سفارت ج ۱۰۱۰ در وین ارسال گردید که در آن ضمن اشاره به تاریخچه مبارزاتی حزب توده ایران، و ضربه‌ای که با یورش به حزب و مبارزین آن به انقلاب ایران وارد می‌آید، اعمال تضيیقات علیه حزب توده ایران و رهبران و اعضای آن شدت محکوم گردید و شکنجه‌های دردناک آن‌ها که در مورد آنان اعمال گردیده و تا کنون باعث قتل مبارزانی همچون رفقا حسن حسین پور تبریزی، ریاحی و آوانسیان گردیده، مورد تقیب قرار گرفته و درباره چگونگی وضع رفقا، احسان طبری، مریم فیروز، عباس حجری، آصف زاهدی و محمد امینی و دیگران استفسار شده است. شرکت کنندگان در جلسه خواستار این شدند که:

- ۱- غیر قانونی اعلام کردن حزب توده ایران، ملغی گردد.
- ۲- تعقیب و شکنجه و تضيیقات دیگر در مورد نیروهای انقلابی، پایان یابد و کلیه مبارزین زندانی آزاد گردند.
- ۳- مسئولین جمهوری اسلامی ایران، با ورود هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان بایران، جهت بررسی وضع زندانیان موافقت نمایند.
- ۴- برگزاری جلسات دادگاه علنی بوده و شرکت ناظرین بین المللی در آن تضمین گردد.

کنفرانس مطبوعاتی در پایتخت دانمارک باریک‌گراییات حاکمیت جمهوری اسلامی را افشامی کند

کپنهاگ، دوشنبه بیست و دوم اوت (سی و یکم مرداد ماه)

در اینروز پایتکار "کمیته همبستگی با زندانیان توده‌ای" در دانمارک، یک کنفرانس مطبوعاتی، با شرکت خبرنگاران رادیو و مطبوعات دانمارک، خبرنگاری تاس، روزنامه ارگان حزب کمونیست دانمارک، ارگان سازمان جوانان کمونیست، روزنامه‌های محلی، نمایندگان احزاب و سازمانهای دمکراتیک، داخلی و خارجی و رفقای حزب توده ایران، بمنظور افشای جنایاتی که در زندانهای جمهوری اسلامی، میگذرد، برگزار گردید. جلسه با سخنرانی رفیق یورگنس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک

بقیه در صفحه ۱۵

در احمدآباد، که با شرکت یکی از دبیران این حزب در تاریخ ۲۵ ژوئیه (سپتامبر) برگزار گردیده قطعنامه‌ای در محکومیت اعمال روشهای وحشیانه در مورد رهبران و اعضای حزب توده ایران بتصویب رسید، که در آن همچنین، پایمان دادن به این اعمال و آزادی زندانیان توده‌ای، خواستار گردیده است.

● در مراسم برگزاری نمایشگاه عکسی در رابطه با بازداشت و شکنجه رفقای توده‌ای، باز دیده کنندگان، ضمن امضای طوماری، همبستگی خود را با حزب توده ایران و رهبران و اعضای



دریند آن ابراز داشتند. نشریات سراسری و محلی هندوستان، ضمن درج مقالات و اخبار مربوط به شکنجه‌های وحشیانه این مبارزین، به تشریح موج عظیم همبستگی مردم هندوستان، با زندانیان توده‌ای پرداختند. از جمله این نشریات، هفته نامه لینگه است، که خوانندگان آن با ارسال نامه‌های فراوانی به دفتر مجله، حمایت خود را از زندانیان توده‌ای، اعلام کرده‌اند.

اتریش

● در تاریخ هجدهم ژوئن (۲۸ خرداد ماه) طی نامه‌ای بامضای رئیس "شورای سراسری صلح اتریش" به سفارت ج ۱۰۱۰ در وین نسبت به بازداشت‌های غیرقانونی دمکراتها و میهن پرستان در ایران، شدیداً اعتراض شده و آزادی آنان خواستار گردیده است. در نامه از جمله آمده است:

بقیه از صفحه ۳
گردیده است شدیداً محکوم نموده و خواست های ذیلی را مطرح کرده‌اند:
- انتشار لیست نام بازداشت شدگان،
- قطع فوری شکنجه‌ها، آزادی بازداشت‌شده شدگان و از سرگرفتن فعالیت علنی حزب توده ایران،
- پایان دادن به پیگرد اعضا و هواداران حزب،
- اجازه عزیمت به کمیونی بین المللی، مرکب از حقوقدانان و پزشکان جهت ملاقات با زندانیان و بررسی وضع آنان.
اسامی سازمانهای امضا کننده بیانیه، بدین شرح است:

- حزب کمونیست آلمان، واحد نورنبرگ
- جوانان کارگر سوسیالیست آلمان در نورنبرگ
- اتحادیه ضد فاشیستهای نورنبرگ
- گروه دانشجویی حزب کمونیست و اتحادیه دانشجویان مارکسیست، واحد لانگن - نورنبرگ
- فدراسیون اتحادیه‌های کارگری ترکیه در آلمان فدرال، بخش نورنبرگ

هندوستان

● شخصیت‌های زیر، ضمن بر شمردن مبارزات فدائیکارانه حزب توده ایران، اعمال تضيیقات بر علیه حزب و رهبران و اعضای آنرا شدیداً محکوم نمودند و پایان دادن به این اعمال، آزادی زندانیان و بررسی وضع آنان را توسط هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان بین المللی، خواستار گردیدند:
● گروهی از وکلای ایالات هیمالچال پرادش، گجرات، کارناتاکا، ماهاراشترا و مادیا پرادش
● تعدادی از استادان دانشگاههای ماهاراشترا، گجرات، دهللی، گجرات و هیمالچال پرادش
● گروهی از رهبران اتحادیه‌های کارگری در ایالات کارناتاکا، هیمالچال پرادش، ماهاراشترا، پنجاب و مادیا پرادش، عده‌ای از شعرا و نویسندگان گجرات، هیمالچال پرادش، تامیلی ناد و دهللی نو
● روزنامه نگاران ماهاراشترا، گجرات و دهللی نو
● گروهی از رهبران سازمان های دانشجویی در کارناتاکا، ماهاراشترا و پنجاب.

● در تاریخ ۲۲ ژوئیه (۳۱ تیرماه)، پیله ابتکار "فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان" و با شرکت نیروهای مترقی و دمکرات، تظاهراتی بمنظور اعتراض به بازداشت و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران، در مقابل دفتر رئیس امور اجرایی ناحیه احمدآباد، برپا گردید. تظاهر کنندگان پس از دادن شعارهایی علیه اعمال تضيیقات در مورد حزب توده ایران، همبستگی خود را با زندانیان توده‌ای اعلام و آزادی بلاد رشک آنانرا خواستار گردیدند.

● در نشست عمومی حزب کمونیست هندوستان

از کدام موفقیت‌های چند

بقیه از صفحه ۱

می‌گویم (چرا خلاصه و سر بسته؟!)، بنام مصلحت نباید واقعیت‌ها را کتمان نمود و از ترس جو سازی‌ها حقیقت را فدای حمایت از گروه‌ها و باند‌ها، خود را قیم قانون ندانید، بلکه مجری قانون باشید... و بیش از این اجرای قانون را به تأخیر نیندازید، که خود تخلف از قانون است. هر همچنین به وزارت آموزش و پرورش در رابطه با عملکرد نامطلوب هیئت بدوی نیروی انسانی آموزش و پرورش تذکر داد و گفت:

"ساواکیها و افراد نامالح را یکبار بر گردانده‌اند و اشخاص مؤمن و پاک را از روی غرض‌ورزیها و انتقاد سازنده باز نهسته و آماده بخدمت نمودند."

چنین است فقط گوشه‌ای از "موفقیت‌های چشمگیر" در عرصه سیاسی - اجتماعی در پنجمین سال پیروزی انقلاب. اظهارات این بد و نفر از حامیان رژیم چنان گویاست، که نیازی به تفسیر ندارد. هر دو آنان با طرح مسائلی، از قبیل هرج و مرج حاکم بر جامعه، لگد مال شدن قوانین، باند بازیها، خود محوریها، کتمان حقایق و بازگرداندن ساواکیها، زرقای فساد موجود را فاش می‌سازند.

حال بازتاب "موفقیت‌های چشمگیر" را در دیگر عرصه‌های زندگی، باز در همان شماره "اطلاعات" دنبال می‌کنیم. در بخش "مذاکرات مجلس" گفته می‌شود، تذکرات نمایندگان به مسئولین اجرایی کشور بشرح زیر قرائت شد:

- نمایندگان آبادان در مورد وضع اسفناک پرسنل و اعزام پزشک و پیرا پزشک و تأمین وسائل پزشکی؛

- نماینده بجنورد پیرامون نقش تورم و گرانی و تأثیر بد آن در زندگی اقشار کم درآمد جامعه و نیز در زمینه نحوه قیمت گذاری تولیدات کشاورزی؛

- نماینده گچساران در مورد عملکرد مسئولین این استان و کنار گذاردن نیروهای بومی، در بیمار بی‌آبی در روستاها، عدم بهداشت و درمان، فقدان نظارت بر توزیع عادلانه کالا؛

- نماینده خلال پیرامون وضع نابسامان آموزش و پرورش و لزوم بازگشت به کار افسران اخراجی بی‌گناه و توزیع عادلانه ارزاق و کالا در منطقه؛

- نماینده کارون درباره ضرورت مبارزه با احتکار و گرانفروشی در بخش‌های دولتی و تعاونیها و بخش خصوصی.

می‌گویند شش نمونه خروار است. آنچه تنی چند نمایندگان مجلس درباره مشکلات حسوزهای خود یادآوری می‌کردند، شامل سراسر کشور است. در همه استانها و شهرستانها و بخش‌ها و روستاها مردم با کوهی از دشواریها، فلاکت‌ها و ویرانی‌ها روبرو هستند. باند بازی، گروه بازی، استبداد رأی و خود محور بینی، که زائیده کوه پستی و قشری اندیشی است، جز این هم نمی‌تواند ثمری بیار آرد.

خود ببینند و امور جامعه را در بهترین وضع موجود ببینند..."

روحیه‌ای که نویسنده رهبران را از آن بر حذر می‌دارد، هم اکنون در میسان آنان حکمفرماست. وقتی مقامات عالی جمهوری اسلامی مسائلی چون مبارزه روحانیت بر سر قدرت، گرایش به اشرافیت و سقوط در ورطه خود محور بینی را به میان می‌کشند، آیا معنایش جز این است که دست اندرکاران مؤثر هر امور در بستر نرم فریفتگی و غرور فرو رفته و امور جامعه را در بهترین وضع می‌بینند و یا به دیگر سخن به انقلاب پشت کرده‌اند؟

تصادفا خود نویسنده مقاله نیز در زمسه اینگونه افراد است. او، که به دیگران اندرز می‌دهد، چند سطر پائین تر دچار همان غرور و نخوت می‌شود و می‌گوید، "میاد" قوم موفق "خود را دست کم بگیرد و موفقیت‌های چشمگیر خویش را کم ارزیابی نماید و بهای لازم را بدانها ندهد!"

کدام موفقیت‌های چشمگیر؟ برای پاسخ صریح و روشن و مستند باین سؤال پر دور نمی‌رویم و به نوشته‌های همان شماره "اطلاعات"، که مقاله "دو سوی بام انقلاب" درج شده استناد می‌کنیم. بعبارت دیگر، از "اطلاعات" علیه "اطلاعات" مددی گیریم.

در صفحه ۱۴ در بخش "گزارش مجلسی" نماینده آمل طی سخنرانی پیش از دستور ضمن انتقاد هرج و مرج در حاکمیت، دخالت افراد غیر مسئول در امور "عمل آنها را موجب دلسردی و کناره گیری افراد دلسوز و متعهد و در نهایت خطری بزرگ برای انقلاب اسلامی"

شمرد و از مقامات عالی رتبه خواست، تا "بسا اعزام یک هیئت (با) تفهیم و تبیین موقعیت هر کس و حدود و صلاحیت و میزان دخالت اشخاص و افراد در کارها، به این بی‌نظمی و تداخل کارها و لوٹ مسئولیتها خاتمه دهند. نماینده گچساران موضوع هرج و مرج و پوسیدگی از درون را بیشتر می‌شکافد و می‌گوید "خطری، که انقلاب را تهدید نموده و می‌نماید خطر خصلت گرائی و بانده بازیها، امنیت‌ها و خود محوریهاست، که قهرا منجر به تنگ نظریها و منزوی نمودن اکثر نیروهای دلسوز خواهد شد و "مطمئنا در نهایت"

موجب بی‌تفاوتی مردم در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه خواهد گردید". وی در ادامه سخنانش در رابطه با قانون شکنی‌ها و حق نشی‌ها از شورای عالی قضائی می‌خواهد تا به "مسائل جدی تر برخورد کرده و به نظرات سازمان بازرسی کل کشور توجه بیشتری نماید که با حمایت از آن تخلفات کمتر و حاکمیت قانون در کشور بیشتر شود."

نماینده گچساران در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت:

"به وزارت کشور بطور خلاصه و سر بسته خود بیابند و امور جامعه را در بهترین وضع موجود ببینند..."

پاسداران "و ارتش و غیره" در دام خود - محوری "، از بزرگتر کردن عیب رقبا و کوچکتر نشان دادن عیب خود، از گرایش "روحانیون به اشرافیت" و غیره سخن می‌گویند.

تکرار این اعلام خطرها از جانب سران رژیم در هفته‌های اخیر بیانگر تزلزل و عدم ثبات است. بویژه اگر در نظر بگیریم، که همین آقایان، در گذشته نه چندان دور، از "تثبیت وضع" و از "یکپارچه شدن جامعه و امت" پس از نیمه دوم سال ۶۰ دم می‌زدند. مثلاً، ۱۰ مهرماه ۱۳۶۱ رئیس دیسوانحالی کشور اظهار داشت:

"ما سال ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ را با تمام مصائبش پشت سر گذاشتیم و جامعه و امت ما بلطف پروردگار از نیمه دوم سال ۶۰ یکپارچه شروع بخدمت کرد و پیش رفت و الحمد لله نتیجه هم بسیار خوب بود و وضع ما تثبیت شد و این حرف شعار نیست، بلکه عملکرد و گزارش‌های رسیده از مشکلات این حقیقت را نشان می‌دهد."

حقیقت آنستکه نه بعد از نیمه دوم ۶۰ و نه بوجه احسن در نیمه اول سال ۶۲ از شباهت خبری نبود و نیست و همه آنچه پیرامون تثبیت وضع بیان می‌شود، شعار میان تهی است.

معمولاً وقتی خطر نزدیک است، بلندگویان تبلیغاتی گام در عرصه می‌گذارند و می‌کوشند با گشودن دریچه اطمینان غلبان افکار عمومی را فرو نشانند. در این مورد مقاله "دو سوی بام انقلاب" مندرجه در شماره ۲۹ تیرماه "اطلاعات" جلب نظر می‌کند. نگارنده نگرانی و نگرانی هراس سران جمهوری اسلامی را از خطری، که در کمین است، حلاجی کرده و برای کاهش حدت و شدت آن بروال همیشگی به شیوه‌های روزنامه نگاری رایج در جمهوری اسلامی پناه می‌برد.

او می‌نویسد:

"خطر نخست آنستکه کل مردم و رهبران آنان و یا حداقل دست اندرکاران مؤثر در جریان امور... فریفته و مغرور گردند، بگونه‌ای که از اندیشه درباره اشتباهات و به سامان ساختن نابسامانی‌ها و باز پرس‌نشستن بهنگام پیشروی‌های نادرست و صیقلی کردن امور ناتراشیده، به جاده هموار توجیه و تفسیر و تعبیر و تاولی‌گری‌ها و کاستی‌ها بیفتند."

اگر "کل مردم" را، که شرکتی در اداره امور ندارند و مآلاً در زایش نابسامانی‌ها و کمبودها و اشتباهات و "صیقلی کردن امور" ناتراشیده و "ببالاخره در توجیه و تفسیر کژیها و کاستیها نقشی نداشته‌اند، کنار بگذاریم، مسببین اصلی بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کنونی را باسانی می‌توان شناسائی کرد. به نوشته "اطلاعات"، آنها عبارتند از رهبران و دست اندرکاران مؤثر در امور. مخاطب نیستند نیز آنانند. وی رنگ خطر را بسرای آنها بصداء در می‌آورد و می‌نویسد، فریفتگی و غرور ممکن است سخت پیش برود و "رهبران را در بستر نرم و راحت و آسوده خیالی قرار دهد، بگونه‌ای که همه عالم را مدیحه خوان و شاگوسی

گیر سخن می گویند؟

نویسنده "اطلاعات" که دروغ را جای قبحیت می نشاند و پیرامون "موفقیت های شمشگیر" قلمفرسایی می کند، حتی بخود زحمت بلالعه گزارش مدرج در صفحه ۵ روزنامه را داده است. در این صفحه گوشه ای از زندگی اکتیوار ۴۸۰۰۰ خانوار چایکاران لاهیجان بهار سال پس از پیروزی انقلاب ترسیم شده است. ۸۸ درصد از چایکاران منطقه از برای باغ های چای کتس از یک تزار هستند - برای درک چگونگی موفقیت های شمشگیر "دهقانان رشته سخن به گزارشگر "اطلاعات" و چایکاران محروم هیجان می دهیم.

گزارشگر "اطلاعات" می نویسد: "گرما بیدامی می کند و کار کردن زیر آفتاب آفت فرساست. عرق تمام جسممان را گرفته افتخ با لباس زیر دوش آب رقتیم. اما بدتر ما کشاورزانی هستند که در دامنه کوه (بسر برند) کجائیکه نور آفتاب مستقیم بر سرشان می -

بدهالی این منطقه و مناطق اطراف از کم آبی بی برند. دهها هزار خانوار از آب نوشیدنی کشاورزی محروم هستند و برای "تأمین آب برفی خود باید مسافت طولانی راه طی کرده از کوه سرازیر شوند تا به آب دسترسی پیدا کنند و نیز برای آب کشاورزی چشم به آسمان بسته اند." کمبود آب تنها مشکل این منطقه نیست، بلکه نبود حمام، مدرسه، نبود کانات رفاهی، فقر و تنگدستی از دیگر خصه های این مناطق است.

اکثر خانه های مسکونی کمتر شباهتی به نه دارد. یک اتاق بدون پنجره، بدون آب برق محل مسکن دهها هزار خانوار در این طقه است. آقا جان بابائی، یکی از چایکاران، گوید:

"ما چایکاران شمالی که جمعیتی حدود ۴۰ هزار نفر هستیم، حاضریم کلیه دارائی های خود را با دارائی عاملان مرضه چای به بار مصرف، که تنها ۲۰ نفر هستند، عوض می - البته اگر این ۲۰ نفر حاضر شوند در این ماله ضرر نکنند. چرا که مایملک همه ما ۴۰۰ هزار نفر چایکار شمالی از مایملک ۲۰ نفر عاملین سله چای کمتر است."

و این یکی از "موفقیت های شمشگیر" در بهری اسلامی است. چایکار لاهیجانی با محاسبه ساده زرفسای فقر و ثروت را در مرض قضاوت خوانندگان می گذارد. آقای بابائی ۶۰ ساله، یکی دیگر از چایکاران، گوید که از کودکی مشغول این کار است و برش را نیز روانه جیبه "جنگ کرده است. نه وی، پولی که کارخانه بابت هر کیلو برگ از چای به کشاورز می دهد، ۶۲ ریال است. حالیکه طبق برآورد مسئول بررسی قیمت ها، کیلو برگ سبز چای برای کشاورز چایکار ۸

ریال تمام می شود. این بدان معناست که چایکاران در هر کیلو برگ سبز چای ۲۰ ریال ضرر می کنند. باخت چایکاران به اینجا خاتمه نمی یابد. آقای علی بابائی می گوید: "من کشاورز چایکار، که تنها سرمایه ام باغ چای است می توانم با پول دریافتی از فروش برگ سبز چای یک کیلو برنج بخرم؟ آخر، می - دانید، یک وقتی ما کشاورزان چایکار یک کیلو چای می فروختیم، یک کیلو برنج می خریدیم. اما حالا باید حداقل ۱ کیلو چای سبز بفروشیم، تا یک کیلو برنج بخریم. این است وضع ما چایکاران شمالی."

داستان تراژیک چایکاران لاهیجان نمودار زندگی مشقت بار میلیونها دهقان کم زمین و بی زمین در جمهوری اسلامی است. "موفقیت شمشگیر" ۱۵ میلیونها دهقان ایرانی، زندگی در سر حد مرگ و زندگی **پارمغان آرزو** برپا در این حقایق وحشتناک تبلیغات گسترده ارگانهای تبلیغاتی پیرامون "فعالیت های بیسابقه" "جهاد سازندگی" "پیشروی ارزش - ندارد."

اما شاید جمهوری اسلامی حداقل در زمینه های اخلاقی، که ترجیح بند هر سخنرانی و خطبه ایست به موفقیت های نائل گشته و فساد و دزدی و آدم کشی و قاچاق را ریشه کن کرده است؟ به صفحه ۱۳ روزنامه "اطلاعات" ۲۹ تیر ماه مراجعه کنیم. این صفحه روزنامه - کوچکترین فرقی با صفحات مشابه روزنامه دردوران رژیم شاه معدوم ندارد. ما فقط عناوین برخی از اخبار روز را در زیر نقل می کنیم:

"۱۵ کیلو مواد مخدر در گنبد کشف شده"، "کشف مواد مخدر - ارزاق عمومی و لوازم خانگی قاچاق در اصفهان"، "جوانی در قم خود را حلق آویز کرد"، "دو افغانی با تهدید چاقو قصد داشتند کودک ۶ ساله ای را بزنند".

پدیده نوین در جمهوری اسلامی "ناپدید شدن جوانان است. در هر شماره "اطلاعات" چند آگهی در این زمینه می توان یافت. در شماره مورد بحث نیز دو آگهی درباره "ناپدید شدن دو جوان، بنامهای یداله قاضی و عزیز - اله چراغچی" زینت بخش صفحه ۱۳ روزنامه است. پس از پیروزی انقلاب هزاران نفر جوان از منزل خارج شده و دیگر به کاشانه خبثت مراجعت نکردند. آیا سران رژیم که شب و روز در کرنای تبلیغاتی "ضد امپریالیستی" می - دمنده، نمی دانند هنوز هم فیلم های بنجل آمریکائی در سالنهای سینما روی پرده می آید؟ "کتوما؟ نوری بر فراز دار" و غیره، که تماشا می آنها در صفحه ۱۳ "اطلاعات" عینا مانند گذشته، تبلیغ می شود، نمونه ای از اینگونه فیلمهاست. مسئولین امر با این عمل دانسته و یا نادانسته نقش مبلغین "شیوه زندگی آمریکائی" را ایفا می کنند.

اگر اخبار تعقیب مستمر دگراندیشان، دستگیری و زجر و قتل دگراندیشان را به آنچه

بر شمردیم بیفزائیم، تصور درباره آنچه مبلغین رژیم "موفقیت های چشم گیر" می مانند، کاملتر خواهد شد. ولی نویسنده مقاله "دوسوی بام انقلاب" منکر حقیقت است و واقعیت در نوشته وی به نحو صخ شده ای عرض اندام می کند. در مقاله می خوانیم:

"... تردید جدی دارم، که این مردم آگاهانه و به عهد به یکباره عهد قدیم را فراموش کرده باشند و برای کاستی ها و کمبود های ناله کنند و گله و شکایت نمایند، که بخش عمده آن از یکسو ناشی از غیر فعال بودن برخی از مبادی ورودی کشور به علت جنگ است، و از سوی دیگر، سرچشمه آنها باید در افزایش مصرف در سراسر کشور، به دلیل توزیع وسیعتر و توسعه مصرف مواد اولیه و اساسی در روستا های دانست، که در زمان طلاوت بعنوان مردم و جمعیت این کشور به حساب نمی آمدند."

منظور نگارنده از "غیر فعال بودن برخی از مبادی ورودی کشور" عدم امکان افزایش واردات است. او در واقع می گوید، اگر جنگ نمی - بوده، روزه های کشور را همانند دوران رژیم بازمی کردند و در قبال صادرات فزاینده نفت خام مایحتاج عمومی را وارد می کردند. باید خاطر - نشان ساخت، که در این زمینه نیز جمهوری اسلامی به "موفقیت های چشمگیری" در قیاس با گذشته دست یافته و واردات کالا، حتی بدون خرید اسلحه و تجهیزات نظامی، بسر حید ۱۵

میلیارد دلار در سال رسیده است. و اما برای رد نظر با اصطلاح "توزیع وسیعتر" و توسعه مصرف در روستاها نیازی به ارائه برهان و دلیل نیست. چایکاران لاهیجان با یک محاسبه ساده نشان دادند، که اگر در گذشته در ازای یک کیلو برگ چای سبز یک کیلو برنج می خریدند، امروز برای یک کیلو برنج ۱۰ کیلو چای سبز تحویل می دهند. آیا با وجود این می توان از افزایش مصرف در روستاها سخن پمیان آورد؟ نویسنده "دوسوی بام انقلاب" با اصرار می گوید:

"اگر این ناراضی و ناراحتی، که با توجه به معرفت اجتماعی این قوم نباید باشد و هست، دلیلش را باید در "بازگریه های دشمنان و جنگ روانی نا جوانمردانه علیه انقلاب جستجو کرد". می گویند قریحه و استعداد مانند پول می ماند، یا هست و یا نیست. ناراضی گسترده و عمیق نیز با وجود دارد و یا ندارد. نگارنده مقاله می گوید، ناراضی عینی موجود محسوس "جنگ - روانی" دشمنان است. ناراضی کالا نیست، که بتوان آنها را وارد کرد. با جنگ روانی می توان ناراضی را دامن زد. بنابراین این ناراضی فراگیر بطور عینی وجود دارد و زائیده تخیل این و آن و یا نتیجه "بازگریه های دشمنان" نیست،

باید دید، آفرینندگان ناراضی عمومی چه کسانی هستند. ما هم مانند توده های میلیونها زحمتکش محققین مقررین اصلی وضع فلاکت آکنده را باید بطور عمده در میان گردانندگان اهرمهای اصلی مملکتی جستجو کرد. زیرا آنانند که با کردار و گفتار خویش، با عدم اجرای اصلاحات بنیادی، با ایجاد خفقان و ترور و با ادامه جنگ و با پشت کردن به اهداف اولیه انقلاب، آب به آسیاب "جنگ روانی" میریزند.

همبستگی محرومان جهان ونه "وابستگی"

اینک سالیان درازی است که امپریالیسم و ارتجاع بین المللی از شیوه کثیف پستن تهمت و افترا و اتهام "وابستگی" به تمام نیروهای ترقیخواه در جهت اهداف پلید خود استفاده میکنند. اعمال این شیوه برای بار اول نیست و تازگی ندارد. هر زمان و هر لحظه که فودی، گروهی، سازمانی و حزبی از مردم و خواستهای زحمتکشان در جهت تحقق اهداف آزادیخواهانه، استقلال طلبانه و عدالت پژوهانه دفاع کرد و از هیچ کوششی، حتی از جان خود، در این جهت دریغ نوزید، به آن "مهر" وابستگی به اتحاد شوروی زده شده و میشود.

این وابستگی نیست؛ این همبستگی محرومان جهان است که بدون در نظر گرفتن تعلق ملی، قومی و مذهبی در مبارزه علیه استثمارگران جهان و علیه نیروهای تجاوزگر و غارتگر همراه با تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی همکاری میکنند. اینک، یکبار دیگر مردم ایران شاهدند که چگونه ارتجاع و امپریالیسم با توسل به این "سیا" ست و هیستری شسوروی ستیزی و ضد مردمی، جنگ صلیبی ضد کمونیستی را به راه انداخته اند و به لجن پراکنی به حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران، و مبارزان راستین راه آن پرداخته اند، تا تلاش آنها را برای تحقق عدالت اجتماعی لکه دار سازند. "راه توده" در زیر نظر حزب را در اینباره که در پرسش و پاسخ ۹ مرداد ۱۳۶۱ آمده است، تجدید چاپ می کند:

ساواکی ها را بگیریم. آن ها غالباً افراد وزده ای بودند؛ فاسد، عیاش، قمار باز، عرق خور، نریاکی و هروئینی. این ها خودشان را در اختیار قدرتمندان می گذارند و به هرجنایتی حاضر هستند. حاضرند شکنجه بدهند و آدم بکشند تا از زندگی مرفهی برخوردار باشند. شما ببینید یک ساواکی در دوران محمدرضا چه می کرد؟ خانمش می رفت توی مغازه جواهر بخرد. شوهرش برای این که "فکر می کرد" به خانم توهین شده، هفت تیرش را درمی آورد و یک نفر را می کشت و هیچ کاریش هم نمی کردند. این ساواکی معلوم است که باید وابسته باشد. وابستگی اش برای این زندگی است. میان تمام کسانی که وابسته به غرب هستند، شما یک نفر را پیدا نمی کنید که برای چشم و ابروی آقای رنگان یا خانم تاچر به آمریکا و انگلیس وابسته باشد. آنها برای منافع مادی حربهانه شان به قدرت های بزرگ وابسته اند و عامل قدرت های بزرگ خارجی می شوند تا سیاست سودجویانه آن ها را به کشور خودشان تحمیل کنند.

حالا ببینید توده ای ها را ببینید. توده ای ها با اعلان انان شصت سال است که در ایران فعالیت می کنند. از حیدر عمو و غلی تا حالا. حال ببینیم این ها از لحاظ مادی چه وضعی داشته اند و دارند. این ها در این شصت سال جز محرومیت، جز زندان، تبعید، شکنجه، اعدام از لحاظ مادی نصیب دیگری نداشته اند و به این نصیب هم واقعا افتخار می کنند. خیلی از این افراد توده ای از روشنفکران نامی بودند و به حق می توانستند زندگی کاملا مرفهی داشته باشند. اما سراپای زندگی این ها را که الان بردارید می بینید قالی که هیچ، حتی یک لحاف ندارند که رویشان بپانازند. باید خانه، دوستانشان زندگی کنند و از آن ها کمک بگیرند. خوب، این ها برای چه چیزی "وابسته" باشند؟ برای چه هدفی "وابسته" باشند؟ اگر "وابستگی" این است که منافع خلق خودشان را در اختیار کشور دیگری بگذارند، این باید نفعی برایشان داشته باشد. والا باید گفت که این ها بیمارند، دیوانه اند و آدم باید به بیماری خاصی مبتلا باشد که به قیمت زندان و تبعید و اعدام، منافع زحمتکشان ایران، منافع کارگران ایران را فدای کند و بدهد به "روس ها". شما اگر تعداد مجموع سال های زندان توده ای ها را حساب کنید، به هزارها سال می رسد! این ها باید واقعا دیوانه باشند اگر با چنین وضعی "وابستگی" را بپذیرند. اما ظاهراً کسی برای توده ای ها خصوصیت "دیوانگی" قائل نیست. برعکس همه آن ها را افراد بسیار باهوش، عاقل و زیرک می دانند. فعالیت شصت ساله ما و اسلاف ما نشان داده است که ما به ازای هزاران سال زندان و هزاران شهید چیزی جز شکنجه و زندان و تبعید و اعدام نداشته ایم.

پس مطلب، برخلاف اتهاماتی که زده می شود، بر سر "وابستگی" نیست. مطلب بر سر عقیده است. ما با فلان جریان که در دنیا هست، هم عقیده ایم، زیرا منافع مشترک داریم. مثلاً ما با جنبش فلسطین که دارد برای نامین حقوق ملی و حق حاکمیت خودش علیه صهیونیسم و امپریالیسم می جنگد، منافع مشترک داریم، برای این که دشمن هر دو ما مشترک

است. مسئله دومی که مطرح شده (از سوی روزنامه "جمهوری اسلامی")، مسئله "وابستگی" حزب توده، ایران به اتحاد شوروی است. خوب این یک افترا و تهمت است و تهمت هم مطابق قانون اساسی ایران، مطابق تمام قوانین حرم است. ولی خوب دوسون ما زور دارند و چون زور دارند می پندارند که می توانند هرگونه جرمی را هم بدون انتظار کیفر به خود اجازه دهند. حزب توده، ایران بارها، علیه این اتهامات اعلام حرم کرده و هیچ دادگاهی هم به آن رسیدگی نکرده است. برای این که، گفت ریش و قیچی دست همین دوستان است. ولی خوب حالا ما شبیه را بر این می گیریم که دوستانی که چنین مطالبی می گویند، عقده ندارند که این اتهام است، افترا است، بلکه واقعا به صحت آن معتقد هستند. ما می خواهیم کمی توضیح بدهیم و ببینیم که آخر این "وابستگی" یعنی چه؟ "وابستگی" به یک قدرت بیگانه برای افرادی که واقعا به آن تن درمی دهند، چه هدفی باید داشته باشد؟ نمونه هایی از وابستگی واقعی را در نظر بگیریم. مثلاً امیران نظام را. ما می دانیم که او وابسته بوده و ثابت هم شد که وابسته به امپریالیسم آمریکا است. چرا؟ برای این که از سوی شرکت آمریکایی نمایندگی داشته، از راه نمایندگی سود می برد. در آمریکا پول داشته، خانه داشته و زندگی اش از راه این وابستگی تامین می شده و خیالش هم راحت بوده است که هرکاری بکند در دوران محمدرضا اتفاقی برایش نخواهد افتاد، برای این که اربابان محمد رضا یعنی امپریالیسم آمریکا، "سنا" حفظش می کنند و حفظ هم کردند. امید دیگر او این بود که هر وقت آن ها لازم بدانند، به قدرت هم می رسد. یا آقای سرمایه دار وابسته را در نظر بگیریم. این آقای سرمایه دار چرا به آمریکا، یا آلمان غربی، یا انگلیس وابسته است؟ برای این که نمایندگی شرکت های بزرگ امپریالیستی را دارد. اجناس آن ها را وارد می کند، کارخانه مونتاژ آن ها را وارد می کند، از کارگران زحمتکشان ایران سوده ای کلان می برد، میلیون ها و میلیون ها ثروت ملی ما را به ارز تبدیل می کند، در اسپانیا، در کالیفرنیا، در آمریکا لاتین، در همه جای دنیا، خانه می خورد، باغ می خورد، جزیره می خورد، خانواده اش را می فرستد به تمام نقاط جهان برای گردش و تفریح و همان طور که آقای هادی غفاری گفت با یک امضای ساده ۱۲۵ میلیون تومان سود می برد. خوب چنین عنصری دلیل وابستگی روشن است. از آن بهره می برد. تمام کوشش او هم این است که وابستگی کشور ما را به امپریالیسم باردیگر تجدید کند تا این زندگی، این سود و این بهره کشی را ادامه دهد.

بزرگ مالک را بگیریم. بزرگ مالک از دولتی که وابسته به امپریالیسم است، حمایت می کند تا به کمک ژاندارم مردم را غارت کند. یعنی همان طور که در آن مصاحبه شرح آمده است و ما حرف زیاد دیگری نداریم که به آن اضافه کنیم. این بزرگ مالک خون زحمتکشان را که با وضع رفعت انگیزی در دهات ایران زندگی می کند که برای جامعه امروزی ننگ است، می مکد و به عنوان یک ارباب و فرمانروا با آنان رفتار می کند، وقتی بجایش از کوچ رد می شود، همه باید بروند قایم شوند که مبادا بوی عرق نتشان شامه، سعبه خان را ناراحت کند.

همبستگی محرومان جهان ونه «وابستگی»

همه آن‌ها علیه حنایات طبقات حاکم، علیه ستم‌گران مبارزه می‌کنند. پس مبارزه محرومان جهان می‌تواند مشترک باشد. همبستگی محرومان است. روی این همبستگی خود جمهوری اسلامی هم تاکید می‌کند، ولی عمل برخی از مسئولان آن گام علیه مستضعفان و به سود مستکبران از گارد می‌آید. چنانچه در مورد افغانستان از طرف مخالفی از جمهوری اسلامی چه موضعی گرفته شدیم. قطب‌زاده وزیر خارجه پیشین ایران در مورد افغانستان به نفع چه کسانی عمل می‌کند؟ به نفع پاکستان، به نفع ترکیه، به نفع آمریکا، آن هم کاملاً آگاهانه و این قطب‌زاده متأسفانه نه شهادت و نه آخری. ولی ما به همبستگی زنجیرکنان جهان اعتقاد اصولی راسخ داریم. همبستگی در مبارزه علیه استثمارگران جهان، علیه انحصارهای بزرگ بین‌المللی، علیه امپریالیسم تجاوزگر و غارتگر، یکی از اصول اساسی فعالیت اجتماعی و سیاسی ما است. ما با کشورهای سوسیالیستی، با جنبش‌های آزادی‌بخش ملی، با تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی که در مقابل این یا آن توطئه امپریالیسم مبارزه می‌کنند همبستگی داریم، دوستی داریم و هر جا بتوانیم در این مبارزه با آن‌ها همکاری می‌کنیم. پس این همبستگی را وابستگی نامیدن و افترا و تهمت زدن کار دزستی نیست. ما مخصوص به آن مبارزان بیرو خطا ما که خیلی روی موازین اخلاق اسلامی تکیه می‌کنند و تهمت زدن را یکی از گناهان کبیره می‌دانند، توجه می‌دهیم که این تهمتها اخلاقی نیست، انسانی نیست، بلکه جرم است و از کسانی که تدعی اخلاق اسلامی هستند، بعید است که چنین تهمتهاهایی را به خود اجازه دهند.

پس پشتیبانی ما از جنبش فلسطین علیه صهیونیسم را که ظاهراً ربطی به ما ندارد، نمی‌شود «وابستگی» نامید. همین‌طور که تملیشتیانی مسلمان مبارز عراقی از خطا امام خمینی و از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نمی‌شود «وابستگی» مبارزان عراقی به حکومت ایران نامید. آن‌ها به یک مبارز کوبانی که می‌رود در آنکولا علیه نژادپرستان می‌جنگد، می‌شود گفت که اتفاقاً وابسته به حکومت آنکولایی؟ آخر او غیر از این که جانبش را در راه حفظ آزادی و استقلال خلق آنکولا علیه نژادپرستان آفریقای جنوبی می‌دهد، چه چیزی از آنکولا می‌گیرد؟ این «وابستگی» نیست، این همبستگی محرومان جهان است و منحصر به امروز و دیروز هم نیست. از وقتی که آگاهی مردم محروم در جامعه بشری به سطحی رسیده که برای برانداختن ستمگری به مبارزه جمعی برخاسته‌اند، این همبستگی بدون دزد نظرگرفتن، تطبیق ملی، بدون در نظر گرفتن معتقدات مذهبی، بدون در نظر گرفتن زبان و غیره وجود داشته است. در زمان‌های بسیار دور هم ما بطرف‌های فراوانی را شراخ داریم که گروه‌هایی از یک کشور به کشور دیگر می‌رفتند برای این که در مبارزه مردم آن خارج‌زای آزادی شرکت کنند. آن زمان‌ها نه کمونیسم وجود داشته، نه اتحاد شوروی و نه تقسیم کبونی جهان. یکی از مبارزترین تئوری‌های آن نبود اسلام است. امروز شعار جمهوری اسلامی ایران این است که مستضعفان جهان متحد شوید. اما این مستضعفان جهان که همه‌شان شیعه، اثنی‌عشری نیستند. این مستضعفان جهان چهار میلیارد نفرند. جهان هستند این‌ها به زبان‌های مختلف صحبت می‌کنند. مذاهب مختلفی دارند. عقاید مختلف دارند. ولی

برای این «گمشده» ها چه اتفاقی افتاده است؟

ها می‌تواند از طرف خانواده‌های آنان باشد و یا اینکه از طرف کمیته‌ها و سپاه پاسداران که در بی آنان هستند و یا امکان دارد که سازمان‌های تروریستی همچون «شیت ذر باختران» به دنبال جوانانی باشند که به دگر اندیشی و دفاع از انقلاب مشهورند. امکان این نیز وجود دارد که خانیان که دستشان به خون این جوانان آغشته شده‌اند این آگهی‌ها را داده‌اند تا دستهای خونین خود را پنهان سازند. گذشته از این جوانان، سازمان‌ها نیز از آن سودهای فدا می‌دهند و خود را در دست راستی مرمی که در بند حجام ج ۱۰ اسیرند نیز هیچ نشانه‌های درد دست نیست. همه محل نگاه‌داری آنان روشن است و نه حتی یکبار اجازه ملاقات با این جوانان بر روند میسر به خانواده‌های آنان داده شده است.

تود ما بهایی که تمام نیروهای خود را در راه حراست از انقلاب گذاشته‌اند در برابر اشتباه‌های پنهان‌ها و آشکار محسوسند و کسی چینی داند که چه بر سر آنان آمده است. این مبارزان راه‌ما استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما هیچ‌گانه‌ی جز دفاع از منافع زنجیرکنان مرتکب نشد ما ند.

در جریان نمونه‌های دردناکی از چنین «گمشده» هایی بویژه در آمریکای لاتین داریم. در آرژانتین چندین سال اجتناب از چهارشنبه هر هفته مادرانی چنین «گمشده» هایی در میدان یا پنج‌را هیبانی می‌کنند و هر سال نیز گروه گروه از اجساد این‌ها را «گمشده» های در گورستان‌های جمعیتی و در اطراف یادگان‌های ارتشی پیدا می‌شوند. آیا گمشده‌های ایرانی عزیزه سزومست «گمشده» های آرژانتین دچار شده‌اند؟

این افراد از تاریخ ۱۳۶۰/۷/۱۷ منزل خود در باختران خارج شده‌اند و تا کنون مراجعت نکرده‌اند. در تمام این آگهی‌ها می‌خواهند که خانواده‌ها (ها) اطلاعاتی ندارند به آدرس باختران (۱۰۰) او به سه شماره تلفن واحد اطلاع دهند و خانواده‌های (۱۰۰) را از نگرانی نجات دهند.

این گوشه‌های از واقعیات در جامعه‌ای است که قانون شکنی به سیاست رسمی حکومت تبدیل شده است. دربارهٔ علت نفوذ شدن این گمشدگان می‌توان اختلافات فراوانی را بر سر زد. این آگهی‌ها

این روزها دیگر دین آگهی اشخاص گمشده در روزنامه‌ها به یک امر عادی تبدیل شده است. حتی عکسهای دختران و پسران نوجوانی را که در راه مدرسه مفقود شده‌اند و یا در جستجوی کار به تهران رفتند و دیگر خبری از آنها نشده هر روز در روزنامه‌ها می‌توان دید. ولی «گمشده» هایی که در شماره‌های مختلف روزنامه اطلاعات و ... در راه مراد به جاپ رسیده است از شمار گمشدگان عادی و معمولی نیستند، بلکه متون تمام این آگهی‌ها با جملات گنگی تنظیم شده که اعلام می‌کند:

این آگهی‌ها در روزنامه‌های مختلف در تهران و سایر شهرها درج شده است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- عکس بالا چپ: صاحب کس بالا بنام ...
- عکس بالا میانی: صاحب کس بالا بنام ...
- عکس بالا راست: صاحب کس بالا بنام ...
- عکس میانی چپ: صاحب کس بالا بنام ...
- عکس میانی میانی: صاحب کس بالا بنام ...
- عکس میانی راست: صاحب کس بالا بنام ...
- عکس پایین چپ: صاحب کس بالا بنام ...
- عکس پایین میانی: صاحب کس بالا بنام ...
- عکس پایین راست: صاحب کس بالا بنام ...

در هفته‌ای که گذشت:

فیصله دفاوی مالی به یغما می‌برند. همانطور که اطلاع دارید واشنگتن در دسامبر سال ۱۹۷۹ بدون هیچ دلیل و اساسی ایران را به عنوان کشور فاقد قوهٔ پرداخت اعلام کرد و با نقض قوانین بین‌المللی، سپرده‌های ایران در بانکهای آمریکا را به مبلغ ۱۴ میلیارد دلار مسدود کرد. سودگران آمریکایی همچون ملخ به این ثروتهای مردم ایران هجوم آورد مانند قابل توجه است که با وجود یک ۲ سال پیش توافق در مورد استرداد سپرده‌های ایران در بانکهای آمریکا با میانجیگری الجزایر حاصل شده بود، آمریکا از انجام این توافق سرسختانه امتناع می‌ورزید و چنانچه روزنامه‌های ایران خبر دادند، ایران نتوانست حتی یک پنجم پولهای خود را باز پس بگیرد. و این در حالی است که باند های آمریکائی یکی پس از دیگری ثروتهای ملی ایران را تصاحب میکنند.

در اوایل سال جاری، آمریکا ایران را وادار کرده که مقدار هنگفتی پول به کمکون بانک نیویورک حواله کند. گرچه میزان این مبلغ فاش نشده، اما به گزارش مطبوعات، این مبلغ به چندین میلیارد دلار بالغ می‌شود. وزارت دارایی آمریکا در آن زمان اعلام کرد، که نمایندگان دیگر بانکهای آمریکا نیز میتوانند امیدوار باشند، که بتوانند در آینده نزدیک ذخیره ارزی خود را به حساب ایران افزایش دهند.

بانک صادرات و واردات آمریکا یکی از این بانکها بود و تا کنون ۴۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار متعلق به ایران به آن حواله شده است. ویلیام دره پر رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا ضمن صحبت دربارهٔ این عمل دولت ج ۱۰۱۰ میگوید:

"محاقل مالی آمریکا از این عمل با حسن رضایت استقبال کردند". این بار اول نیست که دولتمردان ج ۱۰۱۰ ثروتهای مردم ایران را به منظور حسن رضایت محافل امپریالیستی، به چپاولگران بین‌المللی اعطا میکنند. چنانکه مناهده میشود چنان امتیازهایی، که محافل مالی آمریکا با امیدواری بدان می‌نگرند، اقتصاد وابسته، از هم گسیخته و بدون انسجام درونی ما را باز هم بیشتر در خود می‌بلعد.

در شرایطی که فقر مد‌هش، بیکاری میلیونی، قحطی و گرانی و عقب ماندگی گریبانگیر توده‌های زحمتکش میهن ما شده است، محافل حاکمسه جمهوری اسلامی، رهبران و اعضا و هواداران حزب توده ایران - این مدافعان واقعی زحمتکشان - را به بند کشیده و راه را بسوی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا گشوده است.

غرور و نخوتی که مقامات جمهوری بدان دچارند

نخوت و غرور یکی از بیماری های مزمن و خطرناکی است، که مقامات جمهوری اسلامی مدتهاست بدان مبتلایند. این مقامات چنان بقیه در صفحه ۱۳

و چه چیزی نه، هیچ نفعی در بررسی وسیع این قاجحه تلخ که ۲۵ سال اسارت در یسوغ استبداد و امپریالیسم را برای مردم محسروم و زحمتکش میهن ما در برداشت نداشتند! آنهایی که تحریف افکار عمومی و تحمیق مردم را که ایثارگران در میدان مبارزه آماده هرگونه فداکاری در راه میهن خود هستند، به وسیله رسیدن به اهدافشان تبدیل کرده اند، باید ۲۸ مرداد را با "توطئه سکوت" برگزار کنند!

معرفی پنج وزیر جدید

بالاخره پس از چند هفته، از سوی نخست وزیر و وزرای جدید کار و بازرگانی، بحلاوه سه وزیر دیگر بجای وزرای کشاورزی، مسکن، معادن و فلزات - که بدون هیچ توضیحی از قرار معلوم برکنار شده اند - برای اخذ رأی اعتماد به مجلس معرفی شدند.

شایان توجه است که تا لحظه معرفی وزرای جدید به مجلس، هیچ کجا اعلام نشده بود که غیر از وزرای مستعفی کار و بازرگانی، دیگر چه کسی از کابینه کنار گذاشته خواهد شد. ولی ظاهراً رسانه‌های گروهی امپریالیستی منابع قابل اطمینانی در ایران دارند، از جمله روزنامه فرانکفورتر آلگماینه در آلمان فدرال هم - زمان با برکناری عسکر اولادی و توکلی طسی خبری، به خوانندگان خود اطلاع داد که چه کسان دیگری در کابینه آقای موسوی مشمول ترمیم قرار خواهند گرفت.

حال که وزرای جدید به مجلس معرفی شدند، معلوم گردید که پیش بینی یا بهتر بگوییم منبع اطلاعاتی این روزنامه صحیح بوده است.

وزرای معرفی شده عبارتند از:

وزیر بازرگانی: حسن عابدی جعفری، وزیر معادن و فلزات: حسین ناچی، وزیر کار: ابولقاسم سرحدی زاده، وزیر کشاورزی: عیسی کلانتری، وزیر مسکن: سراج الدین کارزونی. در جلسه روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی، وزرای بازرگانی و کار بترتیب با ۱۳۴ و ۲۱ رأی رأی اعتماد گرفتند و آراء سایر وزرای معرفی شده به حد نصاب لازم نرسید.

امپریالیسم آمریکا دارایی های ایران را به یغما می برد

دولت ج ۱۰۱۰ بنا به اصرار ایالت متحد و آمریکا مبلغ ۴۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار، ظاهراً بمنظور باز پرداخت بدیهیهای خود، به جیب آمریکا وارپس کرد. امپریالیستهای آمریکا مانند سابق ثروتهای مردم ایران را به یغما می برد

توطئه سکوت

جرامطبوعات و رسانه‌های گروهی ج.ا.ا. بی سروصدا از کنارسای امین سالگرد کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد گذشتند

۲۸ مرداد امسال مصادف بود با سی امین سالگرد کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. این کودتا باعث آن شده که با سرکوب جنبش مردمی خلق و بیش از همه حزب توده ایران، تسلط امپریالیستهای آمریکائی و رژیم دیکتاتوری شاه بر میهن ما تحکیم گردد و از این طریق راه چپاول و غارت منابع و ثروتهای ملی کشور برای امپریالیست ها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا دوباره هموار شود.

"راه توده" طی دو مقاله مفصل به بررسی این تجربه شوم پرداخت، اما چیزی که توجه ما را به خود جلب کرد، این است که اکثریت قریب به اتفاق مطبوعات و رسانه‌های گروهی ج ۱۰۱۰ (به غیر از روزنامه جمهوری اسلامی که یک مقاله سراپا انحرافی و انحصار طلبانه نوشته است) بی سروصدا از کنار این سالگرد گذشتند. مقامات بلند پایه جمهوری از جمله امام جمعه موقت تهران، امامی کاشانی، که مأمور اقامه نماز جمعه در همین روز ۲۸ مرداد بود، حتی یک کلمه دربارهٔ این روز پریزبان نراندند. آقای رضایی، فرمانده سپاه پاسداران نیز، که سخنان قیل از خطبه‌های نماز بود از هر دری سخن گفت به جز دربارهٔ سالگرد این کودتای شوم.

آیا به این سکوت جز "توطئه سکوت" نامی دیگر می‌توان داد؟

چرا رهبران، مقامات، رسانه‌ها و مطبوعات رژیمی که در پی سرنگونی نظام برآمده از همین کودتای ۲۸ مرداد (یعنی رژیم شاه) بر سر کار آمده و ادعا دارد که با آمریکا، یعنی حامی و مجری اصلی این کودتا سر مبارزه قاطع دارد، رژیمی که ادعای انقلابی بودن دارد و حتی خود را وارث بخشی از جنبش مردم در زمان کودتای میدانده، سالگرد این کودتای ننگین را با سکوت برگزار کردند؟

ما به این سؤال ۴ یا طرح دو سؤال دیگر، جواب میدهم و آن اینکه: رهبران ج ۱۰۱۰ چه نفعی در بررسی کودتای ۲۸ مرداد و آموختن از این تجربه شوم و تلخ می‌توانند داشته باشند؟ رهبران ج ۱۰۱۰ از تجهیز توده‌ها علیه دشمن واقعی و کودتاگر مردم میهن ما، در این دوران بازگشت از راه رفته، چه سودی می‌توانند ببرند؟ هیچ! برعکس! چنین بررسی انتقادی خود افشاگر سیاست ضد انقلابی کنونی حاکم بر میهن ما می‌شود! ۲۸ مرداد دومی که این بار بطور خزنده و با شکلی جدید در حال تکوین است و صحنه گردانان اصلی آن نیز همانهایی هستند، که تخمین می‌کنند که پیرامون چه چیزی صحبت شود

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

از موضع پر نخوتی نسبت به مسائل - چه داخلی و چه خارجی - برخورد می‌کنند که انگار تا کنون جهان افراد انقلابی بجز "انقلابیون" در حاکمیت جمهوری اسلامی بخود ندیده است. فقط تعجب آنیز است، که قطب زاده‌ها و بنی صدرها و ... از خائن تا قاچاقچی چگونه در میان نشان بر خرم‌داند!

نخست وزیر جمهوری اسلامی معتقد است که "چشم جهان به انقلاب ما دوخته شده است"، این ادعا می‌توانست رگه‌ای از حقیقت در خود داشته باشد، اگر به خلق پشت کردگان، به آرمان خلق وفادار می‌ماندند و جهت تقرب و نزدیکی به دنیای سرمایه، تسلیم دشمنان مردم و انقلاب نمی‌شدند!

چشم جهان به کدام اعجاز انقلاب بحران زده و از درون مسخ شده بایستی دوخته شده باشد؟! به اصلاحات ارضی وعده داده و انجام نشده؟ به سرکوب آزادی؟ به ایجاد خفقان؟ به نزدیکی به غرب امپریالیستی؟

اما این یک واقعیت است که دوستان مردم ایران در جهان، به احتضار انقلاب پرشکوهی که به بهای هفتاد هزار شهید و صد هزار مجروح و معلول به پیروزی رسید، با نگرانی و درد و اندوه چشم دوخته‌اند؛ آنان با تعجب و حیرت چشم اندوخته‌اند، که چگونه تسلیم طلبان در برابر اراده راستگرایان و فشار و شانتاژ جهان سرمایه سرفروا آورده، کارخانجات ملی شده را به سرمایه‌داران پس می‌دهند؛ مسئله حیاتی بازگانی خارجی و توزیع داخلی را به دست تروریست‌های اقتصادی میسپارند، تا مردم ستندیده را به نان شب هم محتاج کنند؛ بزرگ زمین‌داران را با "حرمت" و منت به سرزمین‌های غمبی باز میگرددانند و "پاسداران انقلاب اسلامی" را به پاسداری "ملک" آنها می‌گمارند و دهقانان را دریدر میکنند؛ ساواکی‌ها را دوباره به کار می‌گمارند؛ به آمریکا بایست "صدماتی" که در انقلاب دیده، خسارت میدهند؛ بدون کترین احساس مسئولیت هزاران جوان سروقصد را به گوشت دم توپ تبدیل می‌کنند و به جنگ خانمانسوز می‌فرستند و میلیارد ها تومان دارائی مردم زحمتکش و محروم را بر باد میدهند و ...

"منافع استیکاری و استعماری آمریکا در سراسر جهان را هیچ چیز جز انقلاب اسلامی و نهضت جهانی اسلامی با این شدت تهدید نمی‌کند" تصور نشود که یک مغز نا آگاه و نا-مسالم چنین حرفهایی را میزند، نه این سخنان را رئیس جمهور اسلامی ایراد میکند! در شرایطی که راستگرایان طرفدار آمریکا بر تمام مقدرات مردم ایران حاکم می‌شوند و در دروازه مملکت به همت آنان و یاران تسلیم طلب شان به روی انحصارات و کارتل‌های بین‌المللی چارطاق گشوده شده است!

در شرایطی که همه نیروهای آزاد یخواه و مترقی (که جای جمهوری اسلامی در این میان خالی است!) و در رأس آنها اتحاد شوروی با تمام قوا در مقابل توطئه‌ها و آتش افروزیهای امپریالیسم جهان‌نخوار آمریکا چون سد سیدی ایستاد ماند و پارها دست‌های تجاوزگر آن را در ویتنام، کامبوجیا، افغانستان، آنگولا، نیکارا گوئه و ... قطع کرد؛

در شرایطی که مسئله حیاتی جلوگیری از وقوع جنگ هسته‌ای جهانی و استقرار صلح به مسئله حاد روز تبدیل شده و همه نیروهای مترقی و بشر دوست و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی تمام توان خود را در جهت مانعیت از این بلای جهان‌سوز بکار می‌گیرند؛ صحبت از "تهدید شدید" آمریکا بوسیله "انقلاب اسلامی" یا وهای بیش‌نخواهد بود.

مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی که در رویای "صدور انقلاب اسلامی" غوطه می‌خورند، برای انقلاب فلسطین نسخه تجویز می‌کنند؛ در امور داخلی افغانستان با صراحت تام و تمام دخالت می‌کنند؛ هوای برافراشتن "پرچم اسلام بر فراز کاخ کرملین و کاخ سفید" در سر می‌پروراند؛ در حالیکه در مقابل امپریالیسم آمریکا، کفکارانهای از آتش و باروت جهت برافروختن جنگ هسته‌ای جهانی، روان کرده است دچار سکوتند!

"اگر انقلاب روی پای خود بایستد، می‌تواند به همه ملت‌های جهان درس آزادی بیاموزد"؛ باز تصور نشود که این صحبت‌ها تراوشات فکری یک مغز غلیل است، خیر، ابدا! این حرفها را نخست وزیر جمهوری اسلامی زده است.

جمهوری اسلامی که محصول انقلاب مردم ستمکش ایران است، در رابطه با آزادی "درس" بی نظیری به تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیست ایران آموخته است! جمهوری اسلامی آموخته است که می‌توان آزادانه قانون شکنی کرد؛ به دفاتر سازمانها و احزاب قانونی یورش برد؛ روزنامه‌های آنان را توقیف کرد؛ به خانه‌های انقلابیون شیخون زد؛ هزاران نفر "بلاتکلیف" و "گمشده" را در فراموشخانه‌ها اسیر نگه داشت؛ آنها را زیر شکنجه کشت و سر به نیست کرد.

مقامات جمهوری اسلامی اینبار تنها حرف نزدند بلکه "قاطعانه" عمل کردند. آنها بیش از ۸۵۰۰ تودهای و هزاران مبارز غیر-تودهای را برای "آموختن آزادی" به سوی سیاهچالها روانه کردند؛ آزادانه شکنجه دادند، کشتند ...

ملت‌های جهان عیار این "درس آزادی" مقامات جمهوری اسلامی ایران را شناختند!

تبلیغات چیان ج.ا.ا. به دفاع از تروریست‌های افغانی ادامه میدهند!

روزی نیست که رادیو تهران شهری را به تصرف "مبارزان" افغانی در نیابرد؛ گروهی از نیروهای دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان

را به این "مبارزان" تسلیم نکند و نیاز موفقیت بزرگ دیگری گزارش ندهد!

هر چند که مطبوعات و رسانه‌های گروهی غرب پارها به مسئله افغانستان بازگشتند و اغلبشان با تأسف ختم "غائله" را اعلام کردند، اما خبرگزاری ج.ا.ا. هنوز مسئله افغانستان را "در نهانخانه دل" پنهان کرده است و از ذکر حقایق مربوط به اوضاع افغانستان، که بی‌شک بر دولت مردان ج.ا.ا. نیز پوشیده نیست، خودداری میکند. آری مزدوران امپریالیستی، که رادیو ایران به پیروی از رسانه‌های گروهی امپریالیستی، آنها را "مجاهدین" مینامد، به عملیات تروریستی علیه نیروهای مردمی و دولت افغانستان ادامه میدهند. شایان توجه است، که این تروریست‌ها حتی به کودکان رحم نمی‌کنند. آنها بچه‌هایی را که به مدرسه می‌روند بربحانه به قتل می‌رسانند. بقول عبدالکریم یکی از اعضای پیشین باندی که در هرات عمل میکرد، راهزنان فن انجام عملیات خرابکارانه را نزد حامیان ایرانی و امریکایی و پاکستانی خود درازد و گاه‌ب‌گاه نظامی واقع در خاک ایران و پاکستان بخوبی آموخته‌اند و در حملات راهزنانه مردم بیگناه افغانستان را که در حال سازندگی کشور خود می‌باشند، شهید کرده و خانه‌های مسکونی و مساجد و مدارس را منهدم میکنند. اما ببینیم گروههایی که مدعی مبارزه با حکومت افغانستان هستند، کیستند؟ و چه هدفی را دنبال میکنند؟ امروز دیگر هیچکس بجز امپریالیستها و مدافعان و مداحان آنان منکر آن نیست که همه این گروهها وابسته به مرتجع‌ترین نیروهای داخلی و خارجی؛ زمین‌داران، سلطنت-طلبان، سرمایه‌داران وابسته، آمریکا، انگلستان، عربستان سعودی، اسرائیل، مصر و پاکستان هستند و قصد دارند تا رژیم پیش از انقلاب را که چیزی جز ستم و تعدی و استثمار بر روی زحمتکشان در بر نداشت، دوباره برقرار سازند. اما روند استقرار نظام نوین مردمی در افغانستان جای تردید باقی نمی‌گذارد، که انقلاب در آن کشور برای همیشه پیروز شده است. سیر صعودی این کشور در مسیر پیشرفت اجتماعی و اقتصادی با سرعتی به مراتب بیشتر ادامه خواهد یافت و این درست همان چیزی است که خواب را از چشم راهزنان امپریالیستی ربوده است.

بی‌جهت نیست که محافل حاکمه ج.ا.ا. که پیشرفتهای جمهوری دموکراتیک افغانستان به مزاجشان خوش نیامده، به پشتیبانی از منافع ضد انقلابیون افغانی و حامیان امپریالیستی اش برخاسته و به تعجید و تحسین این "مبارزان" و "مجاهدین" میردازد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

پیرامون مناسبات اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین

از این قاعده پیروی میکنیم، که مناسبات اتحاد شوروی و چین باید بنحوی گسترش پیدا کند که به کشورهای دیگر زبانی وارد نسازد. ما از جانب چین هم همین انتظار را داریم.

سالم کردن مناسبات میان اتحاد شوروی و جمهوری تودهای چین، در شرایط کنونی حاد شدن وضع بین المللی، اهمیت و فعلیت ویژه ای کسب می کند. ما بر این عقیده ایم که منافع خلقهای شوروی و چین تعارضی با سد کردن خطر جنگ و تحکیم صلح ندارد. با در نظر گرفتن اینکه صلح یک ایده آل سوسیالیسم نیز هست. دو کشور هنوز مسائل بزرگ و دراز مدت اقتصادی در برابر خود دارند که برای حلی آنها وجود شرایط اطمینان بخش خارجی ضرورت فوق العاده دارد.

به این ترتیب، تنها دولت‌های ما از توسعه مثبت مناسبات میان اتحاد شوروی و چین بهره‌مند نمی‌شوند، بلکه بدون تردید این امر برای تمام وضع بین المللی نیز سود مند خواهد بود.

بازرگانی افزایش می‌یابد و در زمینه‌های دیگر هم گام به گام تماسها بیشتر می‌شود. با این وجود سطح کنونی مناسبات بهیچوجه به میزانی که با یستی میان دو قدرت بزرگ بویژه، دو کشور همسایه باشد نیست. هنوز در زمینه‌های افزایش مبادلات بازرگانی، هموار کردن راه همکاری متقابل در امور علمی و فنی، مسئله مبادلات فرهنگی و ورزشی و دیگر موارد کارهای زیادی میتوان انجام داد. تنظیم و اجرایی تدابیری برای ایجاد اعتماد متقابل در مرزهای مشترک اتحاد شوروی و چین میتواند به مقدار زیادی در بهبود مناسبات میان دو کشور موثر واقع شود.

ما همچنین آماده یک گفتگوی سیاسی با چین درباره مسائل عمده جهانی و پیش از هر چیز در مورد تحکیم صلح و امنیت بین المللی هستیم. طبعاً ما اختلافات اندکی، در مورد برخی مسائل بین المللی و مناسبات با برخی دولت‌های جداگانه، با چین نداریم. اما ما

شنبه گذشته، روزنامه "پراودا" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی متوجه مصاحبه‌ای با رفیق آندروپوف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را انتشار داد. در این مصاحبه که بطور عمده اختصاص به مسائل مربوط به مذاکرات ژنو دارد پرسشی درباره وضع کنونی مناسبات میان اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین شده است که ترجمه متن پاسخ را باطلاع خوانندگان "راه توده" می‌رسانیم:

رفیق آندروپوف گفت:

"ما وضع مناسبات میان اتحاد شوروی و چین را طی دو دهه گذشته غیر عادی تلقی کردیم و می‌کنیم."

اخیراً در مناسبات ما گرایش‌های مثبتی به چشم می‌خورد. میان دو کشور تبادل نظرهای سیاهی در سطح ماهران ویژه انجام میشود. دوری بعدی این گفتگوها قرار است در ششم اکتبر در پکن آغاز گردد. حجم مبادلات

"یانکی" در گدانسک

نامه خوانندگان

دوست عزیز ما ۲۰۰ نامه‌ای پیرامون خدمت کمونیست‌های ایرانی و بویژه حزب توده ایران به گسترش و شکوفایی فرهنگ مین مان به "راه توده" ارسال داشته است. این دوست بد رستی تأکید کرده است که (بی-فرهنگستان) بهمین علت است که در منشانه با "سم اسب" و "حشیگری و سبعیت قرون وسطایی خود به "سرو سینه" اسطوره های فرهنگ معاصر ایران - فرهنگ مبارزه و پیکار مردم ما - بدینسان کوبیدند و بازمی‌کوبند.

رفیق عزیز "سیامک" از برلن غربی نیز طی نامه‌ای خواسته است که مقالاتی پیرامون چند مسئله که در نامه خود ذکر کرده در "راه توده" منتشر شود. با استقبال از پیشنهادات این رفیق، در چار چوب امکانات ما به آن عمل خواهیم کرد.

رفیق عزیز احسان از ایتالیا، نقاشی‌های شما رسید.

دوست عزیز حسن از قبرس، مطالبی که از روزنامه‌های قبرسی برای ما فرستاده بودید رسید و از این مطالب استفاده خواهیم کرد.

دوست عزیز از یونان، نقاشی‌های شما رسید. متأسفانه آن چیزی که بدست ما رسید بسیار ناکامل است. لطفاً اگر طرحی یا نقاشی ارسال میکنید آنرا کامل کنید تا در صورت امکان بتوان از آنها استفاده کرد.

رفیق عزیز آیدین، اشعار و طرحهای شما بدست ما رسید.

رفتار والسا شگفت انگیز نیست زیرا بسیاری از سران سابق "سولید ارتوش" هواداران این اصل بودند که هر چه بدتر همانقدر بهتر و باین جهت آنان علاقه‌ای به بهبود وضع در کشور ندارند.

"تربیونالود" سپس می‌نویسد:

"سرنوشت اقتصاد لهستان نمی‌تواند برای میلیونها شهروند لهستانی بی تفاوت باشد. امروز اکثریت قاطع کارگران درک می‌کنند که کار خوب چه نتایج خوبی ببار می‌آورد. از این رو سست که بسیاری از آنان از تعطیل روز شنبه - داوطلبانه صرف نظر می‌کنند تا تولید بالا برود." همین روزنامه در مقاله دیگری زیر عنوان "یانکی در گدانسک" اشاره به اظهارات والسا در برابر روزنامه نگاران غربی می‌کند که مخالفت خود را با لغو مجازاتهای اقتصادی آمریکا علیه لهستان اعلام کرده و افزوده است که: "او خود را تا اندازه‌ای آمریکائی احساس می‌کند!"

مفسر رادیوی لهستان در مورد رفتار والسا گفته است:

"او تنها کارگر خود بزرگ بین نیست که در درگیری میان سرمایه‌داری و سوسیالیسم به صف دشمنان طبقه کارگر پیوسته باشد."

والسا با برخی سیاستمداران آمریکائی که طرفدار یا مخالف ریگان نیستند گفتگوهای داشته و از سیاست ضد لهستانی ریگان پشتیبانی کرده است. ظاهراً او چون میدانند

روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون لهستان اینروزها تلاشهای تازه ضد انقلاب، برای تخریب در امر تثبیت اوضاع در کشور را که روز بروز محسوس تر میشود، به باد انتقاد گرفته‌اند.

در این نوشته‌ها و تفسیرها تأکید میشود که جلوی این تحریکات با تصمیم قاطع گرفته خواهد شد. بخاطر حفظ نظم و آرامش در کشور و ادامه نتایج خوب بدست آمده در نیمه اول سال در عرصه اقتصادی، نمی‌توان این توطئه‌ها را تحمل کرد. روزنامه "تربیونالود" می‌نویسد که نقش اساسی در این تحریکات را لخ والسا ایفا می‌کند، که آشکارا و بصورت اتمام حجت از مردم دعوت می‌کند که در کارخانه‌ها و ادارات کم - کاری کنند.

این روزنامه می‌افزاید:

"آقای والسا نشان داد، که گذشته چیزی نیاموخته است. زیرا امروز برای هر لهستانی روشن است که کار نکردن به چه عواقب دردناکی منجر میشود. اثرات سوء - استفاده از اعتصاب در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ که "سولید ارتوش" سازمان دهنده آنها بود، هنوز بطور دردناکی احساس میشود و برای مدت طولانی هم احساس خواهد شد. امروز هنگامیکه ما خود را آهسته آهسته از وضع بد اقتصادی بیرون میکشیم، کار نکردن یعنی از دست رفتن هر گونه امیدی برای بهبود زندگی توده‌های مردم و نابود کردن آنچه که در ماههای اخیر با زحمت زیاد بدست آمده است."

زنان مبارز هندوستان، جلوگیری از ادامه رفتار وحشیانه با زنان زندانی دگراندیش را خواستارند

● سی و یک تن از زنان مترقی و اعضای فد راسیون ملی زنان هندوستان در ایندرو، طی نامه‌ای اعتراضی که به سفارت ج ۱۰۱۰ در دلهی نوه ارسال داشتند، ضمن ابراز نگرانی عمیق از دریافت خبر بازداشت و شکنجه رفیق مریم فیروز و سایر زنان دگر اندیش، آزادی فوری آنان و اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان، جهت بازدید از آنان را خواستار گردیده‌اند.

● سازمان زنان هندوستان، شاخه پونسا، وابسته به "فد راسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان"، طی صدور بیانیه‌ای، که رونوشت آن به سفارت ج ۱۰۱۰ در دلهی نو نیز ارسال گردیده است، بازداشت و شکنجه رفیق مریم فیروز و سایر زنان مبارزی را که در مواردی، حتی همراه کودکان خردسالشان روانه زندان گردیده‌اند، بشدت محکوم و نگرانی شدید خود را در مورد وصول خبر مربوط به احتمال شهادت رفیق مریم فیروز، در اثر شکنجه‌های وارد شده، ابراز نموده است. آزادی فوری زنان زندانی، پایان دادن به اعمال شکنجه در مورد زندانیان و بویژه زنان و عزیمت هیأت بین‌المللی به ایران جهت دیدار با زندانیان و بررسی وضع ایشان، از جمله خواسته‌های فوری زنان این سازمان است.

● سازمان دمکراتیک سراسری زنان هندوستان، واحد گجرات و بارودا، در تاریخ پنجم ژوئیه (۱۴ تیرماه)، بیانیه‌ای صادر نمود که طی آن دستگیری و شکنجه رفیق مریم فیروز به شدت محکوم گردیده و از جمله باین مطلب اشاره شده است که حاکمیت ج ۱۰۱۰، عملاً با به بند کشیدن مبارزان راه خلق و "منحل کردن حزب توده" ایران، از خواسته‌های بحق مردم، روی بر تافته است.

● در جلسه مشترک سازمانهای زنان در درادون، بتاريخ ۲۴ ژوئیه (دوم مرداد)، در قطعنامه‌ای صادر گردید که در آن ضمن محکوم کردن رفتار وحشیانه در مورد زنان مبارز از جمله رفیق مریم فیروز، مسئول "تشکیلات دمکراتیک زنان" و سایر دمکراتهای ایران، از دولت هندوستان تقاضا شده است، برای جلوگیری از

شرکت روزافزون محافل ...

بقیه از صفحه ۷

و مسئول "کمیته همبستگی با زندانیان توده‌ای" آغاز گردید.

وی پس از اشاره به اهمیت برگزاری این جلسه و اقدامات عاجل جهت نجات جان مبارزین زندانی، از جمله اظهار داشت که موضع حزب کمونیست دانمارک، در قبال انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران، همان موضع حزب توده ایران بوده و اکنون که این حزب در شرایط بسیار دشواری قرار دارد، از پشتیبانی همه جانبه کمونیستهای دانمارک بر-

اصول این روشها، اقدام نماید.

● نشریات مترقی هندوستان، در هفته‌های اخیر، مفصلاً به درج مطالبی در مورد وقایع اخیر ایران و بازداشت زنان و مردانی پرداخته‌اند، که پیگیرانه در راه دفاع از حقوق زحمتکشان مبارزه کرده‌اند.

از جمله، مجله "صدای زنان شافل" چاپ دلهی، نو، در شماره ماه ژوئیه خود، طی مقاله‌ای تحت عنوان "آوازی برای مریم فیروز"، ضمن اشاره به نقش وی در بسیج زنان و مبارزه در راه احقاق حقوق آنان، به شرح حال وی پرداخته و به شکنجه‌های وحشیانه‌ای که وی و سایر مبارزان زندانی، تحت آن قرار گرفته‌اند، اشاره نموده است و در پایان تأکید می‌نماید که این اعمال، زمینه تضعیف انقلاب ایران و تسلط مجدداً امپریالیسم بر کشور را، فراهم می‌نماید.

روزنامه‌های زیر نیز که بزبان هندی، در شهر درادون انتشار می‌یابند، در ماه ژوئیه به درج مطالبی در این مورد پرداخته‌اند:

● روزنامه "داریان" هیماچال تایمز ● صبح امروز ● اوتران چال



همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران

خوردار است.

سپس رفقای حزب توده ایران، به تشریح اوضاع کنونی کشور، دلایل حمله به حزب شکنجه و بازداشت رهبران و اعضای آن و عقب نشینی و تسلیم طلبی نیروهای مماشاتگر در روزی و هجوم راستگرایان به دست آورد های انقلاب پرداختند و توضیحاتی در زمینه فیلم‌های تلویزیونی "اعترافات"، دادند.

نمایش ویدئو فیلم "آقاریر" و نمایان بودن آثار شکنجه در چهره و حرکات رفا، که حضار را به شدت تحت تأثیر قرار داد، نمایندگان احزاب و سازمانهای دمکراتیک شرکت کننده در

بقیه در صفحه ۱۶

بدون شرح

سخنان سعید امانی نماینده مردم تهران

راه حل مسئله فتودالیزم

" این جانب استدعا دارم که هر نماینده، فتودال منطقه خود را معرفی کند تا امت حزب الله خدمت آن‌ها رسیده و دیگر در کشور فتودال باقی نماند!"

طبقه مستاصل

" بعد از معرفی فتودال‌ها و سرمایه‌داران، به بقیه مردم اطمینان بدید که اگر این مقدار سرمایه داشتید و مثلاً ۲۰ هکتار زمین را آباد کردید، فتودال و سرمایه‌دار نیستید، بلکه مجاهدان راه خدا خواهید بود... و با این برنامه تکلیف میلیون‌ها نفر که در گردش اقتصادی کشور مؤثرند و نه در طبقه مستکبر بوده، نه مستضعف بلکه در وضع فعلی می‌توان آن‌ها را طبقه مستاصل نامید، روشن شده و دیگر میلیاردها تومان از این راه بی‌تکلیفی به جمهوری اسلامی زیان وارد نمی‌شود!"

خط فقه‌ای یا خطر سرمایه داری؟!

" مطلب مربوط به آهن و برنج نیست، موضوع خط فقه‌ای عسکر اولادی هاست که سی سال است حمایت از اسلام و قرآن و ولایت فقیه و محرومین کرده، و امروز نیز کوشش می‌کند تا صادقانه وظیفی را که در برابر خدا و اسلام و انقلاب و مردم دارد، در خط فقه‌ای و ولایت فقیه عمل نماید!" (اطلاعات، ۲۰ اردیبهشت ۶۲)

حالت کوخ نشینی!

" حجت الاسلام معزی معاون امور پارلمانی وزارت کشور نیز ضمن تشکر از مسئولین نهاد های انقلاب اسلامی و ارگان‌های دولتی و انتظامی استان مرکزی گفت:

" در دیدار و جلساتی که با مسئولین نهاد های انقلاب اسلامی و ارگان های دولتی، انتظامی و فرمانداران و بخشداران این استان داشتیم، حالت کوخ نشینی در آنان دیده می‌شد و همه دلسوخته نسبت به مسائل کوشا هستند و آمادگی برطرف نمودن مشکلات را دارند!" (اطلاعات، ۲۰ اردیبهشت ۶۲)

در دیداری که خبرنگار ما با آقایان عسگر اولادی و احمد توکلی داشت، حالت کاخ نشینی در آنان دیده می‌شد و دلسوخته نسبت به مسائل بازرگانی و کاریگری، آمادگی تصرف مجدد پست های وزرات را داشتند!



جنبش اعتراضی در پاکستان توسعه می یابد

مطابق اخباری که تا کنون منتشر شده در برخورد هائی که طی هفته اخیر میان اعتراض کنندگان به حکومت دیکتاتوری ضیا الحق و نیروهای امنیتی رژیم رخ داده تا کنون چند نفر کشته شده اند. در بخش بزرگی از ایالت سند در جنوب کشور عملاً حکومت نظامی برقرار شده است.

ضیا الحق که از اوج گرفتن اعتراضات دچار وحشت شده مخالفان رژیم خود را بشدت عمل تهدید کرده است.

از تقریباً دو هفته پیش، بنا به دعوت ۹ حزب مخالف رژیم، کارزار وسیعی در سراسر پاکستان آغاز شده که از هنگام بقدرت رسیدن ضیا الحق تا کنون سابقه نداشته است.

جنبش برقرار کردن دموکراسی در کشور که هشت حزب عضو آنند، هسته اصلی این موج اعتراضی است. هفته گذشته حزب ملی پاکستان هم که در بلوچستان نفوذ زیادی دارد به این جنبش پیوست. اما شرکت کنندگان در راه پیمائشها و اعتراضات فقط اعضای این ۸ حزب نیستند. کارگران، دهقانان، جوانان و روشنفکران برای لغو فوری حکومت نظامی، استعفای دولت، آزاد کردن زندانیان سیاسی، قانونی اعلام کردن احزاب و تعیین تاریخ انتخابات عمومی پافشاری می کنند.

روز ۴ شنبه ۹ شهریور ۱۳۶۲ به عنوان روز همبستگی با مردم پاکستان اعلام شده است. در این روز تمام آزاد یخواهان جهان به حمایت از نبرد خلقهای پاکستان برای استقرار آزادی و سرنگونی رژیم کودتائی به ابراز همبستگی دست می زنند.

در ترکیه تعقیب فعالین کارگری ادامه دارد

در استانبول محاصره رهبران اتحادیه های کارگری انقلابی ترکیه (دیسک) همراه با گروهی از فعالین اتحادیه کارگران چاپخانه های ترکیه به اتهام اینکه گویا " بمنظور سرنگون کردن رژیم موجود در ترکیه فعالیت خرابکارانه میگردانند " بزودی شروع خواهد شد.

دادستانی نظامی ترکیه با بی اعتنائی نسبت به اعتراضات جهانی، ۱۲۸ نفر را به " دادگاه " کشانده است که از این میان ۶۸ تن و از جمله باش توره، دبیر کل " دیسک " را خطر مرگ تهدید میکند.

در همین حال در استانبول محاکمه رهبران و اعضای دو سازمان کارگری وابسته به " دیسک " هم آغاز شده است. دادستان برای ۹ کارگر تا ۲۰ سال تقاضای زندان کرده است. از جمله

" اتهامات سنگین " این " متهمان " شرکت در جنبش صلح و اعتصاب غیرقانونی اعلام شده است.
در ازبک نیز محاکمه ۶۴ تن از فعالین کارگری با اتهامات واهی آغاز گردیده است.

مارش عظیم نیروهای صلح دوست آمریکا

مارش عظیم نیروهای صلح دوست و ترقیخواه آمریکا، به مناسبت بیستین سالگرد مارش به سوی واشنگتن، با شرکت بیش از دویست و پنجاه هزار نفر از شهروندان آمریکایی که از نقاط مختلف آمریکا در واشنگتن گرد آمده بودند برگزار شد.

بیست سال پیش از این واقعه، پراهیئت در تاریخ مبارزات صلح دوستان مردم آمریکا، مارتین لوتر کینگ، مبارز سیاهپوست آمریکایی، در سخنرانی معروف خود گفت که وی آرزو دارد که در آمریکا تمام مردم - چه سیاه و چه سفید - در محیط برابری و برادری و صلح زندگی کنند.

انگیزه برگزاری مارش اخیر نیز حفظ صلح، اعتراض به سیاستهای ضد محرومان و مبارزه با پیشداریها و تبعیضات در حق سیاهپوستان و رنگین پوستان دیگر بود. صدها هزار شرکت کننده، اعتراض دولت را علیه سیاستهای دیوانهوار نظامیگریانه دولت ریگان، که بار آن بر دوش زحمتکشان این کشور سنگینی کرده و صلح جهانی را به خطر انداخته است، به گوش جهانیان رسانده و عزم خود را برای ادامه مبارزه در تمام عرصه های اجتماعی اعلام داشتند.

حملات

ضد سوسیالیستی پاپ

روزنامه های ایتالیائی می نویسند که پاپ در سفر اخیر خود به فرانسه طی یک سخنرانی در شهر لورد مواضع ضد کمونیستی و ضد سوسیالیستی خود را به معرض نمایش گذاشته است. او از نو اتهامات رنگ باخته " نبودن آزادی وجدان در کشورهای سوسیالیستی " و " تعقیب معتقدان به مذهب " را تکرار نموده است. مطبوعات محلی خاطر نشان می کنند که این حملات پاپ تصادفی نیست و آن خطی را نشان می دهد که کلیسای کاتولیک در جهت تشدید مبارزه " ایدئولوژیکی علیه کشورهای سوسیالیستی پیش گرفته است.

از هنگامیکه ریگان، رئیس جمهور آمریکا " جنگ صلیبی " ضد کمونیستی خود را اعلام کرده، همه احزاب و سازمانهای ارتجاعی در غرب امریالیستی و کشورهای دست نشانده آنها در جهان سوم به این کارزار پیوسته اند. در این میان محافل محافظهکار روحانیت، چه در جهان مسیحیت و چه در کشورهای مسلمان نقش ویژه ای را در این زمینه بعهده گرفته اند - صهیونیست های اسرائیلی که جای خود دارند!

"یانکی، در گدانسک"

بقیه از صفحه ۱۴

که فعلاً ایالات متحده در لهستان سفیری ندارد، خواسته این وظیفه را نیز مقبل شود.
در گدانسک ضد انقلاب هنوز امیدخود را برای فریب دادن زحمتکشان از طریق پخش شایعات دروغ و دعوت به اعتصاب مانند دو سال پیش، از دست نداد است. اما نیروهای انتظامی به هیچکس اجازه نخواهد داد که در آرامش شهر و جریان عادی کار در کارخانه ها خلل وارد سازد.

شرکت روزافزون محافل مترقی...

بقیه از صفحه ۱۵

کنفرانس، پشتیبانی خود را از اهداف جلسه بین المللی دوسلدورف (۲۱ ماه مه - ۳۱ اردیبهشت ماه)، مبنی بر اعزام کمیونی مرکب از پزشکان، حقوقدانان و خبرنگاران بایران، جهت بررسی وضع مبارزین تودهای در زندانها و تشکیل دادگاههای علنی با نظارت بین المللی برای آنان اعلام نمودند.

خبرتشکیل کنفرانس مزبور، وسیعاً در مطبوعات دانمارک و از جمله روزنامه ارگان حزب کمونیست انعکاس یافت و رادیوی این کشور، ضمن پخش جریان مشروح کنفرانس و مصاحبه با یکی از رفقای تودهای، به تشریح شکیبهای وارده بر رهبران حزب توده ایران پرداخت.
زاد یو مسکو نیز در تاریخ بیست و سوم اوت (اهل شهریور)، گزارش مشروح کنفرانس مطبوعاتی را پخش کرد.

کمک مالی به

حزب توده ایران،

یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در

زور بخ

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را

تأمین کردند

RAHE TUDEH

No. 57

Friday, 2 Sept. 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

| | | | |
|--------------|----------|--------|---------|
| Price: | England | 30 | P. |
| West-Germany | Belgium | 22 | Fr. |
| 1 | DM Italy | 600 | L. |
| France | 3 Fr. | U.S.A. | 40 Cts. |
| Austria | 8 Sch. | Sweden | 3 Skr. |

